

## هدف آموزش:

آموزش در شرکتهای تعاونی به دنبال تحقق اهداف فراوانی است که مهمترین آنها به قرار زیر است:

### ۱- آگاهی هرچه بیشتر جوامع تعاونی به خصوصیات و اهمیت تعاون:

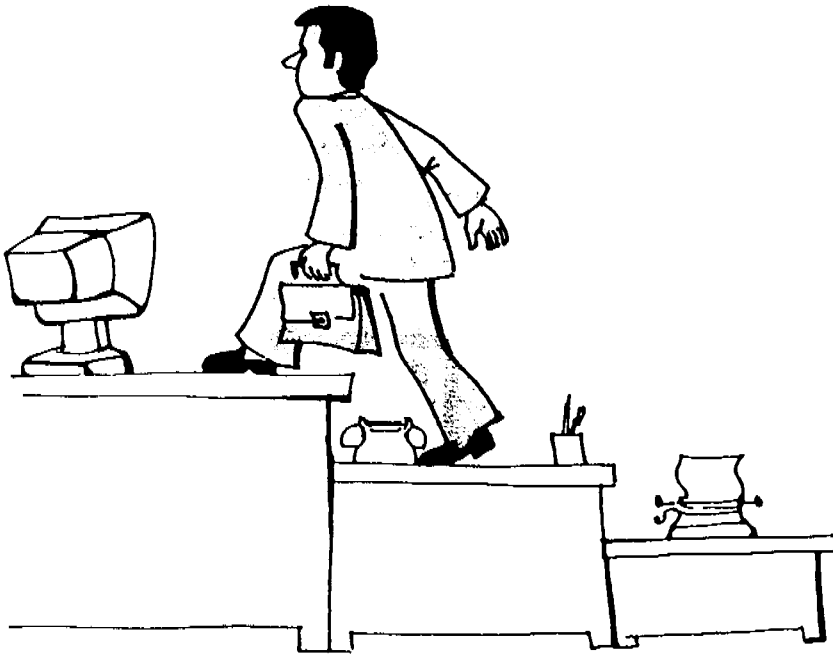
منظور از آگاهی هر چه بیشتر جوامع تعاونی به خصوصیات و اهمیت تعاون آن است که اعضاء هر شرکت تعاونی بدانند چه کار پراهمیتی را شروع کرده‌اند و از این راه چگونه می‌توانند نیاز یا نیازهای خود را به ساده‌ترین شکل رفع نمایند. البته در یک جامعه تعاونی افراد مختلفی ممکن است عضویت داشته باشند اعم از زن و مرد- کم‌سواد یا باسواد و همچنین دارای دیدها و نظرات متفاوت و نیز میزان لزوم آگاهی و هوشیاری بین کسانی که در یک تعاونی عضویت دارند برحسب اینکه از مدیران تعاونی و یا اعضاء عادی و یا اینکه کارکنان تعاونی باشند با هم متفاوت خواهد بود و در هر صورت هرچه درجه آگاهی این اعضاء بیشتر و بالاتر باشد مطلوب‌تر خواهد بود.

### ۲- نحوه و چگونگی بکارگیری و استفاده از نیروهای دسته جمعی:

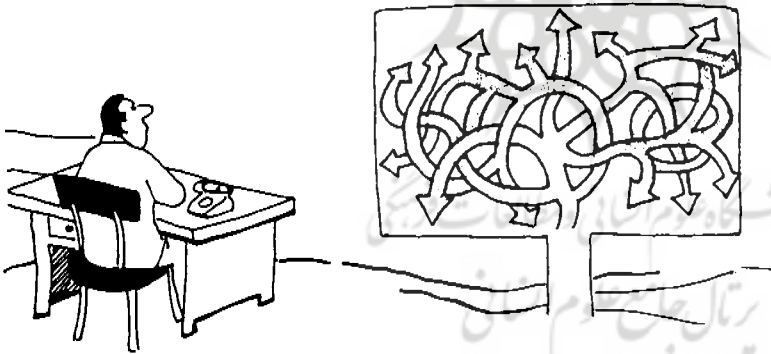
در این قسمت نیز مسأله آگاهی و وقوف به این امر است که چگونه می‌توان از طریق آموزش از نیروی دسته جمعی موجود در تعاونی به منظور پیشبرد اهداف شرکت بهره‌گیری کرد و چطور نیروهای یک گروه کوچک یا بزرگ را برای رسیدن به هدف یا هدفهای مشترک بکار گرفت. روشن است که این امر احتیاج به آگاهی دارد و هر نوع آگاهی و مهارت از راه آموزش حاصل می‌شود.

### ۳- ایجاد الگوهای همکاری و مانوس شدن به کارهای گروهی و خوگرفتن با جوامع:

هر چند که انسان فردی است اجتماعی، ولی این بدان معنا نیست که طبیعتاً خود را



## روشهای تعیین نیازهای آموزش



خدمت به دیگران بنماید. مانوس شدن با دیگران - همکاری متقابل - کمک گرفتن و کمک کردن ویژگی بارزی است که قوام دوام جامعه انسانی را مستحکم و تضمین می‌کند، اما ایجاد چنین روحیه‌ای مستلزم آگاهی و آموزش است و تعاونیها به عنوان گروههای جمعی هدفمند نیاز ضروری و

در خدمت اجتماع بدانند و کار برای دیگران را جزو سرشت اولیه خود بشناسند زیرا اگر چنین می‌بود دنیا بهشت برین می‌شد و هیچکس گرفتار درماندگی و ناتوانی نمی‌گردید انسان به خدمت دیگران احتیاج دارد و همواره کمک دیگران را طالب است. دون اینکه در خود احساس احتیاج برای

حتمی به این امر دارند.

#### ۴- دست یابی به موقعیت اجتماعی هر عضو در تعاونی:

از راه فعالیت در تعاونی می‌توان موقعیت برتر و مقام والاتری در اجتماع پیدا کرد. بدین معنی که با فعالیت مداوم و پی‌گیر و پیش بردن هدفهای تعاونی کمال مطلوب و سعادت در زندگانی اجتماعی حاصل می‌شود و این مفاهیم هنگامی مصادیق حقیقی خود را باز می‌یابد که همکاریهای اجتماعی از راه توسعه و تحکیم تعاون عمومی تحقق پذیرد.

باتوجه به موارد فوق صرفاً از راه آموزش تعاون است که می‌توان به هدفهای والا و برتر دست یافت. هرچند که آموزش و

امور را انجام دهند و در مجموع برای اعضاء مفید واقع شوند ولی تعاونی نیستند اگر چه اسم تعاونی هم داشته باشند. از همین روست که برای اعضاء این نوع تعاونیها تصورات واهی و بدور از واقعیت شکل می‌گیرد از جمله بسیاری از اعضا اینگونه تعاونیها اساساً تعاونی را یک سازمان دولتی می‌دانند و از آن انتظار بسیار دارند، بطور مثال اگر از آن وام بگیرند میل ندارند بازپس دهند و اگر خدمتی طلب می‌کنند آماده برای خدمات متقابل نیستند و گاه تصور می‌کنند دولت می‌خواهد از این راه در جزئیات زندگانی و کسب و کارشان مداخله کند، در نتیجه یا نسبت به تعاونی بی‌تفاوت می‌شوند و یا در

زمان موجب از میان رفتن هیجان و حرارتی است که در ابتدای کار یا در حین فعالیت‌های تعاونی میان مؤسسان و اعضاء عادی تعاونیها وجود داشته است. در حقیقت آموزش وسیله‌ای برای تجدید قوا و تقویت نیروها و به منزله قوه محرکه‌ای است که می‌تواند یک تعاونی را به جلو براند و رشته‌های مستحکم معنوی میان اعضاء تعاونی را مستحکمتر سازد.

۲- اساساً آموزش منحصر و محدود به چند اصل و رویه و سابقه کار تعاونیها نیست بلکه بسیاری از مسایل و مشکلات تعاونیها را می‌توان از طریق آموزش حل نمود. بعلاوه هر نوع آگاهی و مهارتی را که برای اعضاء - کارکنان و مدیران تعاونی لازم است می‌توان از طریق آموزش فراهم آورد.

۳- موفقیت هر تعاونی اساساً به آگاهی و هوشیاری مدیران و اعضاء تعاونی مربوط است و این آگاهیها از طریق آموزش صورت می‌گیرد و جزئیات کارهای اجتماعی و اقتصادی که در جهت بهبود کار تعاون صورت می‌گیرد نیز از طریق آموزش حاصل می‌شود.

۴- استمرار آموزش علاوه بر آنکه اعضاء را در جریان مسایل روز مربوط به کار دسته جمعی آنها قرار می‌دهد برای حل مشکلات بزرگ و کوچک و همچنین برای بدست آوردن موفقیت‌های بیشتر راه‌هایی ارائه خواهد داد و زمینه را برای اجرای برنامه‌های بالاتر و برتر آماده خواهد ساخت.

#### روشهای تعیین نیازهای آموزشی

آنچه در تعیین نیازهای آموزشی شرکتهای تعاونی باید مدنظر مسئولان و برنامه‌ریزان آموزشی واقع شود توجه و عنایت به شرایط زمانی و مکانی هم در سطح منطقه‌ای (استانی) و هم در سطح ملی (کشوری) می‌باشد. با رعایت این نکته روشهای تعیین نیازهای آموزشی در

## در شرکتهای تعاونی

از: ابوالقاسم سلیمانی سوچلمانی

هدفهای آن در انواع مختلف تعاونی تفاوتی با هم دارند ولی بطور کلی هدف ساختن انسانهایی است که قادر باشند به همکاریهای اقتصادی و اجتماعی در یک جامعه تعاونی دست یابند.

#### لزوم آموزش

کنگره بین‌المللی تعاون در آخرین جلسه خود، آموزش و اطلاع رسانی را همچنان به عنوان یکی از اصول اصلی و پابرجای تعاونیها محسوب و مورد تأیید و تأکید قرار داده است. زیرا عموماً تعاون را نهضتی می‌دانند آموزشی که روشهای اقتصادی را بکار می‌برد به عبارتی تعاون روشی است اقتصادی که از آموزش برای پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کند.

#### تعاونیهای بدون آموزش:

تجارب عدیده نشان داده است که تعاونیهای بدون آموزش گرچه ممکن است

مقابل آن عکس العمل منفی نشان می‌دهند و میل دارند که به نحوی خود را از فعالیت تعاونی برکنار بدانند. حتی دیده شده است در مواردی یک یا دو سهم از سهام شرکت را خریده و به هیچ وجه به تعاونی مراجعه نمی‌کنند. واضح است در یک تعاونی بدون آموزش، اعضاء از اصول و مقررات و اهداف و کیفیت کار تعاونی اطلاعی ندارند و نمی‌دانند که تعاونی چه باید بکند و اعضاء چه وظیفه‌ای در تعاونی خود دارند و لذا این تصورات برای اعضاء بدون آموزش و بی‌اطلاع عادی است.

با عنایت به مطالب قبلی در خصوص لزوم آموزش و ویژگیهای تعاونیهای بدون آموزش می‌توان دلایل لزوم آموزش و استمرار آن را در شرکتهای تعاونی به شرح ذیل عنوان نمود:

۱- متوقف ساختن آموزش در هر حال و هر

شرکتهای تعاونی به شرح زیر ارائه می‌شود:

## ۱- آموزش با اولویت تعاونیهای تولیدی:

بحث تولید و متعاقب آن تأمین نیازمندیهای داخلی - رهایی از وابستگی و واردات کالاها و اجناس بویژه کالاهای مصرفی - رفع بیکاری از طریق ایجاد فرصتهای شغلی - بکارگیری کلیه امکانات بالقوه در جامعه - افزایش تولیدات استراتژیک و حساس به منظور دسترسی به خودکفائی اقتصادی مورد توجه ویژه مسئولین مملکتی و برنامه‌ریزان اقتصادی - اجتماعی می‌باشد. لذا باید هم دست اندرکاران و هم تولیدکنندگان تلاش کنند تا سطح و میزان تولید در کشور افزایش یابد. بدین جهت، بر مسئولین آموزشی است که چنین مسائلی را در سرلوحه برنامه‌های آموزشی خود قرار داده و در تنظیم برنامه و تقویم آموزشی اولویت تولید را به عنوان یکی از مشخصه‌های مهم تعیین نیازهای آموزشی شرکتهای تعاونی مطمح نظر قرار دهند، تهیه سرفصلهای آموزشی ویژه تعاونیهای تولیدی باید حاوی مطالب و نکاتی باشد که در نهایت موجب بهره‌وری بیشتر و افزایش کارآئی و مطلوبیت محصولات تولیدی گردد، شناخت مسائل و مشکلات موجود در واحدهای تولیدی و دسته‌بندی آنها با رعایت درجات اهمیت می‌تواند مسئولین آموزشی را در تنظیم سرفصلهای آموزشی و پیش‌بینی و تدارک دوره‌های مربوطه مدد رساند.

## ۲- نظر خواهی از مدیران تعاونیها:

باتوجه به اینکه مدیران شرکتهای تعاونی به عنوان مجریان قوانین و مقررات حاکم بر تعاونیها ارتباط مستقیم و بیشتری با اعضای تحت پوشش داشته و از سوئی در جریان کامل روند کار و مسائل و مشکلات تعاونی می‌باشند - می‌توانند به منزله یکی از منابع مهم تعیین نیازهای

آموزشی واحدهای مربوطه تلقی شوند. مدیران تعاونیها چون منتخب اعضای می‌باشند، می‌توانند رابط خوبی بین مسئولین آموزشی تعاون و اعضای تحت پوشش باشند، زیرا ممکن است اعضای تعاونی بنا به دلایل مختلف از قبول مستقیم نظر مسئولین رسمی و دولتی اکراه داشته باشند و سخن را از زبان مدیران، که از میان خودشان است و خود نیز عضو تعاونی می‌باشند، بهتر بپذیرند.

## ۳- مصاحبه با اعضای تعاونیها:

قبل از تشریح این روش باید گفت که می‌توان در اعضای احساس نیاز به آموزش و شوق آموختن را بوجود آورد. این امر با بکارگیری روشهای ذیل می‌تواند تحقق یابد.

**الف) ایجاد آگاهی:** وقتی اعضای از مسائل مربوط به زمینه کاری‌اشان آگاه شوند و اطلاعات و دانش بیشتری کسب کنند مسلماً نیازهای جدیدی در خود احساس خواهند کرد، در حقیقت آگاه شدن در یک زمینه خودعاملی برای ایجاد احساس نیاز به دانش و آگاهی بیشتر می‌شود.

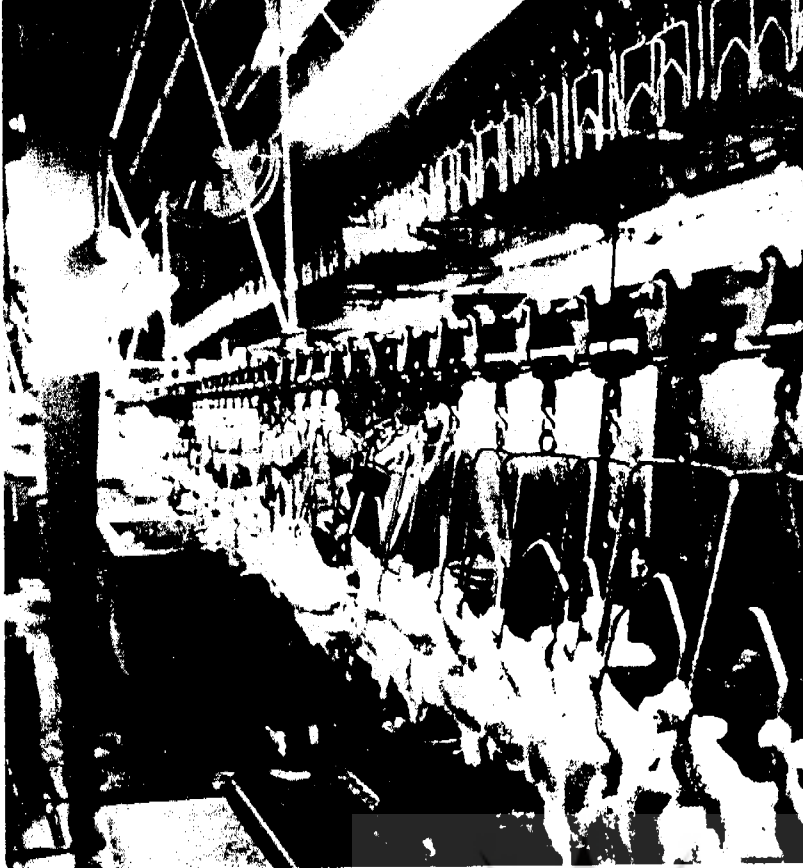
**ب) سواد:** یکی از مشکلات آموزشی



موجود در شرکتهای تعاونی ناهمگونی سواد و معلومات مدیران - اعضاء و شاغلین است و وجود بی سوادان و یا کم سوادان این مشکل را بیشتر می‌کند. این امر باعث می‌شود که آموزش بزرگسالان مسئولین آموزشی را با مشکل بسیار مشهوری به نام دیرپذیر بودن آموزش گ. یرندگان مواجه کند، بدین معنی که پذیرش شیوه‌های جدید براساس موازین علمی برای عضوی که سالهای متمادی شیوه خاصی را در تعاونی دنبال می‌کرده است بسیار سخت و مشکل می‌باشد زیرا شیوه قبلی به قول جامعه شناسان نهادی و درونی شده است. در نتیجه یکی از مقدمات کار، تلاش در جهت بالا بردن سطح عمومی سواد و ایجاد همگونی اطلاعات و معلومات بین مدیران و اعضاء و شاغلین در شرکتهای تعاونی است.

**ج) تبلیغ:** یکی دیگر از شیوه‌های ایجاد احساس نیاز به آموزش، تبلیغ پیرامون اثرات مثبت و مفید آموزش و تأثیر آن در بهبود کمیت و کیفیت محصولات و سهولت کار با استفاده از فنون و تکنیکها و اطلاعات جدید می‌باشد.

**د) استفاده از قشر جوان:** یکی از نکاتی که برنامه ریزان و مسئولین آموزشی باید مدنظر قرار دهند این است که سعی کنند بیشتر کسانی که در دوره‌های آموزشی شرکت می‌کنند یا شرکت داده می‌شوند از بین قشر جوان انتخاب شوند. این امر به دو صورت در بخش تعاون امکان پذیر است ۱- آن دسته از جوانانی که به نوعی در یکی از تعاونیهای موجود عضویت داشته و تاکنون آموزشهای لازم و کافی را ندیده‌اند. ۲- دسته دیگر کسانی هستند که عضو تعاونی نیستند ولی با تشکل آنان در قالب طرح «آموزش - تعاون و اشتغال» می‌توان به ایجاد انواع تعاونی بویژه در زمینه تولید و خدمات اقدام نمود. در هر صورت انتخاب جوانان برای آموزش به چند دلیل می‌باشد:



اولاً: مشکل دیرپذیر بودن بزرگسالان در مقابل پذیرش و فراگیری جوانان با این سیاست تا حد زیادی رفع می‌شود زیرا مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که جوانان تشنه تغییر و تحول و کسب دانش و اطلاعات جدید هستند و در این جهت آمادگی بیشتری دارند.

ثانیاً: به خاطر سرمایه گذاری که در امر آموزش می‌شود، باید هدف این باشد که از فراگیران حداکثر استفاده هم از نظر کمی و هم کیفی بشود. بنابراین سرمایه گذاری روی نسل جوان اثر برگشتی سرمایه‌ای بیشتری خواهد داشت و خود موجب دلگرمی و تسلط بر کار و افزایش راندمان تولید خواهد شد. چنانچه این امر در مناطق روستائی و محروم کشور اتفاق بیفتد موجب تثبیت نیروی انسانی و جلوگیری از مهاجرت روستائیان به شهر می‌شود. زیرا یکی از علل مهاجرت بیکاری و وجود یک احساس بی عدالتی نسبی در امر آموزش و امکانات آموزشی بین نقاط شهری و روستائی است.

ه) **بازدید و نظارت:** نکته آخر اینکه بایستی از طریق بازدیدهای علمی و نظارت هدفمند، در نگرش و ذهن اعضاء - شاغلین و دست اندرکاران تعاونی مسائل تازه و سئوالات نوینی ایجاد کرد. بازدید و نظارت از واحدهای مختلف تعاونی نظیر مراکز تولید - توزیع - خدمات می‌تواند یک عامل نیاز آفرین باشد و متعاقب آن موجب بهبود روش و کیفیت تولید و ارائه خدمات مطلوب و بهینه در فعالیتهای تعاونی گردد.

بهرحال یکی از روشهای مؤثر در تعیین نیازهای آموزشی در شرکتهای تعاونی و یا در مقیاس کلی‌تر جامعه نیازمند تعاون، مصاحبه با اعضاء و عناصر انسانی با رعایت اصول و ضوابط تکنیک و روشهای مصاحبه می‌باشد زیرا نقطه روشن در این روش، شنیدن سخن و نیاز اعضاء از زبان خود آنان است.

شرکتهای تعاونی و آشنائی از نیازهای آنان از نزدیک چنانچه با دقت و هدفدار انجام پذیرد روش بسیار مناسبی تلقی می‌گردد. برای رسیدن به این هدف می‌توان به دور روش اقدام نمود.

**الف: تشکیل جلسات صرفاً آموزشی:** با هماهنگی و برنامه قبلی جلساتی به منظور آشنائی با نیازمندیهای آموزشی تعاونیها در محل فعالیت آنها برپا شود سپس به حاضرین اجازه داده شود تا مشکلات، مسائل و نیازمندیهای خود را بیان کنند و ترتیب اولویت آنها را مشخص نمایند. حسن این روش این است که اعضاء در برنامه‌ریزیهای آموزشی خودشان مشارکت می‌کنند.

**ب: حضور مسئولین آموزشی در مجامع عمومی تعاونیها:** شرکتهای تعاونی طبق مقررات حداقل سالی یکبار باید جلسه مجمع عمومی خویش را برگزار نمایند. در این جلسه علاوه بر مرور فعالیت یکساله شرکت: سیاستها و خط مشی‌های

۴- **نظرخواهی از متخصصان و کارشناسان و متولیان امور تعاونی:**

متخصصان و کارشناسان و متولیان امور شرکتهای تعاونی این قابلیت و وسعت دید را دارند که همزمان، هم اولویتهای مورد نظر دولت و سیاستگذاران بخش را راجع به فعالیتهای محوله مدنظر قرار دهند هم با استفاده از تجربه و تخصص خود، بتوانند تشخیص دهند که بخش تعاون در آینده به کدام سمت و سو باید سوق داده شود و از آنجائی که با مراکز و مؤسسات تحقیقاتی و پژوهشی ارتباط داشته و در جریان یافته‌های جدید و شیوه‌های نوین قرار می‌گیرند بسهولت می‌توانند سرفصلهای آموزشی را ارائه کنند. به عبارتی در این روش پیش‌بینی روندها و آینده نگری بیشتر است و همچنین درک اولویتهای ضروری مملکت مورد نظر و توجه واقع می‌شود.

۵- **تشکیل جلسات تبادل نظر در تعاونیها:**

برگزاری جلسات تبادل نظر در محل

# تعاونیهای زنان کلید مشارکت و بهبود

## موقعیت آنان در توسعه

از جعفر بیک زاد

مقدمه

یکی از عوامل اصلی توسعه، منابع انسانی است که از آن تحت عنوان سرمایه اصلی توسعه یاد می‌شود لذا اعتدالی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی هر کشوری در گرو منابع - انسانی آن کشور است، نیروی انسانی کارآمد، واجد شرایط و هدفدار جامعه است که می‌تواند با ترکیب مطلوب با سایر منابع و استفاده بهینه از آنها موجب رشد و شکوفایی اقتصاد جامعه شود. از اینرو نیروی انسانی ماهر و کارآمد را می‌توان به عنوان - بزرگترین و اصلی‌ترین سرمایه هر کشوری دانست. امروزه در تمامی کشورهای توسعه یافته صنعتی و در حال توسعه، منابع انسانی به عنوان یکی از بزرگترین عوامل انکارناپذیر در شکل دادن توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شناخته شده است. آقای «ماتسوشیتا» پدر مدیریت ژاپنی در اهمیت نیروی انسانی می‌گوید:

«خدا را شکر ما پس از جنگ جهانی دوم هیچ چیز نداشتیم و به اتکا به همین مغزهای آفریننده توانستیم نه تنها به مرمت خرابیها بپردازیم که راه پیشرفت و توسعه انسانی را هموار کنیم و سرانجام به جایگاهی در خور در میان کشورهای آزاد جهان برسیم»

منابع انسانی شامل کلیه زنان و مردان یک جامعه می‌باشد که کیفیت آن به دانش، بینش و مهارتهای آن بستگی دارد.

با عنایت به نقش منابع انسانی در توسعه، این نکته را باید متذکر شد که عدم توجه به جمعیت زنان و در نظر نگرفتن آنان - که تقریباً نیمی از جمعیت جوامع را تشکیل می‌دهند - در برنامه‌های توسعه و عدم ایجاد زمینه‌های لازم برای مشارکت آنان در روند توسعه، تحقق توسعه را علیرغم فراهم بودن سایر شرایط بسیار اندک خواهد نمود. از اینرو در برنامه‌های توسعه باید به جایگاه و نقش زنان توجه لازم و کفافی شود تا اجرای آنها با موفقیت بیشتری توأم گردد. بنابراین جامعه‌ای در مسیر توسعه و پیشرفت موفق خواهد بود که از همه توانها و پتانسیل خود در جهت بهره‌وری استفاده کند، به عبارتی زمینه‌های لازم را برای تبدیل نیروهای بالقوه به نیروهای بالفعل فراهم آورد و زمینه‌هایی را ایجاد کند که همه افراد از جمله زنان نیز به عنوان نیروهای بالقوه بتوانند سهم عمده‌ای در رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی هر جامعه داشته باشند.

از آنجائیکه کشور اسلامیمان ایران

برای گذار از مرحله در حال توسعه به توسعه‌یافتگی برنامه دوم توسعه را در دست اجرا دارد برای اینکه در این امر موفق باشد باید جایگاهی مناسب و درخور شأن برای زنان با توجه به رهنمودها و توصیه‌های تعالیم اسلامی در نظر بگیرد و از وجود تقریباً نیمی از جمعیت کشور، حداکثر استفاده را در جهت برنامه‌های توسعه بنماید.

این مقاله کوششی در جهت بیان نقش زنان در توسعه و موانع موجود در مشارکت آنها در روند توسعه و سرانجام جایگاه تعاونیها (تعاونیهای زنان) در حل این مسائل و بهبود موقعیت زنان، می‌باشد.

### جایگاه زن در اسلام

بر طبق اصول مسلم شریعت مقدس، از اینکه مذکر یا مؤنث باشند. در این باره قرآن - کریم می‌فرماید: و من کل شیء خلقنا زوجین «همه چیز را به صورت جفت آفریدیم». از مصادیق بارز این آیه شریفه زنان و مردان هستند که هر یک به تنهایی چیزی نیستند اما با هم و در کنار هم همه چیز هستند به عبارتی هر یک نقشی دارند اما نقش کارساز و مؤثر در تشریح مساعی آنان است.

اسلام، درباره استعداد و امکانات

در عصر ما تعاون یک اهرم مناسب برای توسعه اقتصادی است که می‌تواند همگام با سیاستهای دولت، در بهبود شرایط زندگی، کار، تولید و ارتقاء سطح درآمد و وضعیت اجتماعی مردم موثر باشد و چنانچه بطور جدی مورد حمایت قرار گیرد بار هزینه‌های دولتی را کاهش داده و بتدریج استقرار شرایطی را سبب می‌شود که طبقات مختلف مردم در مسائل اقتصادی مربوط به خود تصمیم گیرنده بوده و متناسب با برنامه‌های عمومی دولت، امور اقتصادی مربوط را عهده‌دار گردند.



مربوط به زن و مرد نگرش واحدی دارد. رسول اکرم (ص) در این باره می‌فرماید: انما للنساء شقایق الرجال «زنان همتای مردانند».

اسلام، مسئولیت زنان را در جامعه هم‌تراز با مردان میدانند. و بین سهم مرد و زن در فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تفاوتی قائل نشده و اصولاً زن یا مرد بودن در مقام و منزلت اسلامی هیچگونه تاثیری ندارد.

با توجه به مطالب بالا می‌توان گفت که اسلام بین مرد و زن تفاوت و تبعیضی قائل نشده آنچه از برتری جنسیت در عمل وجود دارد ناشی از تعبیر و کاربرد آن در جوامع اسلامی است. همچنین در دین اسلام فعالیت زنان در بیرون از خانه منع نشده نکته‌ای که باید در زمینه فعالیت زنان اشاره کرد، این است که فعالیت زنان باید آگاهانه، سالم و منطبق با آرمانها و تعالیم اسلامی باشد نه از منظر تقلید و پیروی کورکورانه از غرب و شرق. زنان مانند مردان نیروهای بالقوه‌ای هستند که اگر از آنها با توجه به ساخت فرهنگی جامعه استفاده شود نقش مهم و موثری را در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها ایفا خواهند نمود.

حضور فعال زنان و مشارکت آنان در صحنه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باتوسعه کشورها در همه جوانب از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ارتباط تنگاتنگ و مستقیم دارد. به عبارتی وضعیت زنان در هر جامعه‌ای نشانگر میزان پیشرفت آن جامعه می‌باشد، از اینروست که مشارکت زنان در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی به منزله یکی از مهمترین شاخص‌ها در روند توسعه محسوب می‌شود. بررسی وضعیت و موقعیت کشورهای جهان از لحاظ توسعه بیانگر این امر است که در جوامعی که تعادل مطلوب و قابل قبول مشارکت عادلانه زن و مرد در فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی

استراتژیها و محورهای - اساسی توسعه، بخش کشاورزی است، بطوریکه بسیاری از کشورها با اتکا به این بخش توانسته‌اند خود را در کنار کشورهای پیشرفته و توسعه یافته که استراتژی توسعه آنها بر مبنای آن بوده است، ببینند. یکی از محورهای زیربنایی استراتژی کشاورزی برای توسعه، نیروی انسانی است که در این میان نیز زنان بخصوص زنان روستایی بخش عظیمی از نیروی انسانی را برای بخش کشاورزی تأمین می‌کنند.

زنان روستایی نیمی از جمعیت روستایی را تشکیل می‌دهند که این جمعیت نیز دوشادوش نیم دیگر (مردان روستایی) در تولید محصولات دامی و کشاورزی نقش بسزایی دارند حتی فروش بعضی از محصولات تولید شده نیز توسط زنان روستایی در بازارهای محلی صورت می‌گیرد. از اینرو نقش زنان روستایی در فعالیتهای کشاورزی و اقتصادی انکارناپذیر است، که آمار و ارقام گویای این واقعیت است. برای مثال در کشور خودمان، زن روستایی در حالیکه خانه‌دار است در نگهداری و تعلیم و تربیت کودکان، امور کشاورزی، پرورش دام و طیور و صنایع دستی نقش عمده‌ای دارد. در

و فرهنگی فراهم نشده و فرصت منصفانه بروز خلاقیت و استعداد انسانها در آنها - برقرار نشده است، فرآیند توسعه آن گونه که انتظار داشته‌اند موفق نبوده است، و تداوم و شتاب توسعه هنگامی رخ داده که زن و مرد دوشادوش - یکدیگر مسئولیت توسعه را بر عهده گرفته‌اند. بطوریکه در کشورهای پیشرفته ۲۵ تا ۲۸ درصد از نیروی کار را زنان تشکیل می‌دهند. در این جوامع ارزش و ضرورت اشتغال زنان در عرصه‌های گوناگون به رسمیت شناخته شده است.

زنان می‌توانند نقش موثری به عنوان روشنفکران، سیاست‌گذاران، تصمیم‌گیران، برنامه‌ریزان، یاری‌رسانان و بهره‌گیران از توسعه ایفا کنند. به گفته کارشناسان، زنان به لحاظ تواناییهای خود می‌توانند برکندی و سرعت جریانات توسعه - جوامع اثرگذار و تعیین‌کننده باشند به نحوی که امروزه میزان و نقش مشارکتهای زنان از نشانه‌های اصلی موفقیت یا عدم موفقیت سیاستهای توسعه‌ای به شمار می‌رود. نقش زنان را در توسعه می‌توان از جوانب مختلف بررسی کرد که در این مقاله بخش کشاورزی و روستایی در نظر گرفته شده است. یکی از

**بنا به گزارش فائو - (سازمان خواربار و کشاورزی جهانی) فعالیتهای زنان روستایی در برخی از کشورهای دوبرابر مردان است. برای مثال در تانزانیا، سالانه مردان ۱۸۰۰ ساعت، زنان حداقل ۲۶۰۰ ساعت به کشاورزی می‌پردازند. با این وضع می‌توان گفت در کشورهایی که اساس و مبنای توسعه به عبارتی استراتژی توسعه آنها کشاورزی است توسعه کشورهای فوق در نتیجه توسعه کشاورزی بدون حضور و فعالیت زنان روستایی - امکانپذیر نخواهد بود.**

تحقیقی که چندین سال قبل بعمل آمده گزارش شده است که هر زن فعال روستایی روزانه ۳ تا ۵ ساعت و گاه تا ۸ ساعت از وقت خود را در امور مربوط به صنایع دستی صرف می‌کند. در کارهای مربوط به زراعت و باغداری مانند وچین، تنک کردن، نشاکری، چیدن و بسته‌بندی محصول و امور مشابه دیگر مشارکت - فعال دارد، هر زن سالانه از ۲۰ روز تا دوماه و روزانه از ۴ ساعت تا ۸ ساعت در امور زراعی به شوهر خود کمک می‌کند. بعضی از زنان روستایی در امور اقتصادی، هم‌تای مردان خود می‌باشند و حتی گاه در اداره و رهبری کار مشارکت دارند و سرپرستی بخش عمده‌ای از عملیات اقتصادی خانواده را به عهده می‌گیرند. اخیراً نیز در تحقیق دیگری به این نتیجه رسیده‌اند که ۴۰ درصد فعالیتهای کشاورزی بوسیله زنان روستایی انجام می‌شود و همچنین آمار نشان می‌دهد که ۲۵ درصد ارزش افزوده بخش کشاورزی را زنان روستایی ایجاد می‌کنند و نیز حدود ۸۵ درصد فعالیتهای دامداری و صنایع لبنی در روستاها توسط زنان اجرا می‌شود و آنان در برخی تولیدات کشاورزی و باغی ۱۰۰ درصد حضور فعال دارند. بنا به گزارش فائو - (سازمان خواربار و کشاورزی جهانی) فعالیتهای زنان روستایی در برخی از کشورهای دوبرابر مردان است. برای مثال در تانزانیا، سالانه مردان ۱۸۰۰ ساعت، زنان حداقل ۲۶۰۰ ساعت به کشاورزی می‌پردازند. با این وضع می‌توان گفت در کشورهایی که اساس و مبنای توسعه به عبارتی استراتژی توسعه آنها کشاورزی است توسعه کشورهای فوق در نتیجه توسعه

کشاورزی بدون حضور و فعالیت زنان روستایی - امکانپذیر خواهد بود.

نقش دیگر مشارکت زنان در روند توسعه اقتصادی، اجتماعی از طریق کنترل رشد جمعیت است یکی از مسائل و مشکلات کشورهای جهان سوم رشد بالای جمعیت است که خود این مسئله، کشورهای فوق را با مسائل و مشکلات فراوانی مواجه کرده است. با مشارکت زنان در زمینه‌های مختلف و نیز با اشتغال زنان این مشکل و مسأله خود به خود حل خواهد شد و زمینه را برای توسعه فراهم خواهد آورد.

کنترل جمعیت یکی از شروط اصلی و اساسی توسعه است بطوریکه هر یک درصد کاهش جمعیت به معنی ۳ درصد افزایش درآمد ناخالص ملی می‌باشد که این شرط اساسی یعنی کنترل جمعیت با اشتغال زنان ارتباط تنگاتنگی دارد، تجربه جهانی نشان داده است، که همیشه زنان شاغل و تحصیل کرده فرزند کمتری به دنیا می‌آورند. با اشتغال زنان می‌توان مانع اصلی و اساسی (رشد بالای جمعیت) کشورهای جهان سوم را در امر توسعه از میان برداشت.

با توجه به مطالب بالا می‌توان گفت که زنان نقش محوری را در توسعه جوامع ایفا می‌کنند چه به خاطر تاثیر گذاریشان بر تربیت و سرنوشت نسل‌های آینده و چه به عنوان نیمی از پیکره جوامع.

در رابطه با نقش زنان در توسعه باید نکاتی را مدنظر داشت؛ نکته اول این است که در کشورهایی که امکان افزایش فرصتهای شغلی وجود ندارد، اشتغال زنان نه تنها در توسعه اقتصادی و اجتماعی نقشی نخواهد داشت، بلکه عامل

افزایش بیکاری، ایجاد شغل‌های کاذب و افزایش بخش خدمات و در نتیجه رشد تورم خواهد بود. بنابراین عامل مهمی که می‌تواند در نقش زنان در توسعه مثرتر واقع شود سرمایه‌گذاری برای توسعه و تنوع فرصتهای اشتغال است زیرا وقتی فرصت شغلی وجود داشته باشد پای زنان نیز به عنوان نیروی کار به میان کشیده می‌شود. در کشور ما کار زنان روستایی گویای این واقعیت است، برای مثال می‌توان فعالیت زنان روستایی را در هنگام نشاء برنج یا در بعضی مواقع درو کردن در صورت نبود کمباین، یا فعالیت قالببافی و... نام برد.

نکته دیگری که در رابطه با فعالیت زنان مطرح است این است که آیا کار زنان در خانه فعالیت اقتصادی است یا خیر؟ به عبارتی آیا کار زنان در خانه ارزش افزوده ایجاد می‌کند یا خیر؟ در رابطه با این نکته باید گفت کار زنان در خانه یک نوع فعالیت اقتصادی است که ارزش افزوده نیز به همراه دارد. مواد اولیه‌ای که به منظور تبدیل به کالاهای مصرفی به خانه وارد می‌شود می‌شود تبدیل این مواد به کالاهای نهایی مصرفی توسط زنان خانه‌دار صورت می‌گیرد، بنابراین اگر به جای مواد اولیه، کالاهای نهایی مصرفی خریداری شود، یعنی به جای سبزی پاک نشده، سبزی پاک شده و آماده یا به جای خرید مواد اولیه غذا، غذای آماده تهیه شود، مابه‌التفاوت پول پرداختی به کالاهای نهایی مصرفی و قیمت مواد اولیه، ارزش افزوده کار زنان محسوب می‌شود. از اینرو می‌توان گفت که امکان دارد در صورت اشتغال زنان به کار در بیرون از خانه و

وجود این فرهنگ در بین مردان که، کارخانه کار زنانه است، زن شاغل به علت خستگی و عدم فرصت کافی به تدریج به سوی مصرف غذاهای آماده و نیمه‌آماده کشیده می‌شود و این امر به معنای کاهش تولید اقتصادی در چارچوب خانواده است.

### وضعیت زنان

در این قسمت از مقاله اشاره‌ای مختصر به وضعیت زنان در جهان و ایران از لحاظ فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در مقایسه با مردان خواهیم داشت. اما قبل از اشاره به آمار و ارقام، باید این نکته را متذکر شد که بسیاری از فعالیتهای زنان به دلایل مختلف بصورت آمار و ارقام در نمی‌آیند و از اینرو بعضی از آمارهای موجود در این زمینه با واقعیت اختلاف دارند.

گزارشهای توسعه انسانی سازمان ملل مبنی بر آن است که زنان گرچه نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند اما سهم شان در جمعیت فعال اقتصادی حدود ۳۰ درصد و در برخی از کشورها بسیار کمتر از این برآورد شده است.

در کشورهای در حال توسعه زنان در بخش رسمی فرصتهای شغلی کمتری دارند ولی در بخش غیررسمی بدون هیچگونه دستمزدی مشغول کار هستند، زنان شاغل در بخش رسمی نسبت به مردان ساعات بیشتری کار می‌کنند و دستمزد کمتری دریافت می‌نمایند.

دو سوم از جمعیت یک میلیاردی بیسوادان جهان را زنان تشکیل می‌دهند.

### وضعیت زنان در ایران

طبق آمار سال ۱۳۷۰ از ۵۵ میلیون نفر جمعیت کشور حدود ۴۸ درصد آن را زنان تشکیل داده‌اند و از این رقم، ۵۷ درصد از زنان کشور در مناطق شهری و ۴۲ درصد در مناطق روستایی کشور سکونت دارند و

۱ درصد بقیه نیز مربوط به افراد غیرساکن می‌باشد.

- طبق آمار سال ۱۳۷۳، از جمعیت فعال ۱۰ ساله و بیشتر کشور ۹۰/۲۱ درصد شاغل و ۹/۷۹ درصد بیکار و جویای کار هستند. ۸۷/۹ درصد جمعیت فعال را مردان و ۱۲/۱ درصد را زنان تشکیل می‌دهند.

- به استناد آمار و اطلاعات موجود در حال حاضر ۳۰ درصد از کارکنان دولت را زنان تشکیل می‌دهند. از این تعداد ۷۰ درصد در وزارت آموزش و پرورش، ۱۱ درصد در وزارت بهداشت و درمان (بیش از ۴۰ درصد کارکنان وزارت بهداشت را زنان تشکیل می‌دهند) و بقیه در سایر وزارتخانه‌ها اشتغال دارند. هم اکنون ۴۰ درصد از نیروی انسانی در بخش کشاورزی را زنان تشکیل می‌دهند در بخش تولید محصولات روستایی کشور، ۴۷/۶ درصد از محصولات تولید شده حاصل دسترنج زنان روستایی است. ۵۵ درصد از استادان دانشگاههای کشور زن هستند که از این تعداد، ۲۵ درصد در دانشگاههای پزشکی و ۲۰ درصد در دیگر دانشگاهها به تدریس اشتغال دارند.

گروههای شغلی، اشتغال زنان ایران و چند کشور آسیایی برای مقایسه در جدول زیر آمده است:

موانع مشارکت زنان در روند توسعه اقتصادی و اجتماعی

با وجود اینکه زنان نقش مهم در روند توسعه اقتصادی و اجتماعی جوامع دارند، اما موانعی وجود دارد که موجب عدم مشارکت آنان می‌شود که از مهمترین و عمده‌ترین موانع مشارکت زنان در روند توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌توان موارد ذیل را نام برد:

- ۱- وجود فرهنگ ضعیف و ناشناخته ماندن توان بالقوه زنان در جامعه.
- ۲- عدم خودباوری و اعتماد به نفس در زنان.
- ۳- نبود فرصتهای اشتغال مناسب در جامعه.
- ۴- عدم مشارکت لازم و کافی و همسویی مردان با زنان در کارهای خانه.
- ۵- طرز تلقی نادرست و رفتار تبعیض‌آمیز مدیران.
- ۶- برداشتهای متفاوت دینی در رابطه با زنان از جمله حجاب، تحصیل و حضور آنها در صحنه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سیاسی
- ۷- کم سواد و یا تحصیلات در سطح پایین و نداشتن تخصص و مهارتهای لازم
- ۸- وجود روحیه و فرهنگ مردسالاری یا پدر سالاری در برخی از خانواده‌ها
- ۹- تفاوتهای جسمی و فیزیکی زنان با مردان در نتیجه عدم توانایی احراز و انجام بعضی از مشاغل و فعالیتهای.
- ۱۰- کمبود زمینه‌های مساعد و کافی برای

کشور	ایران	بنگلادش	پاکستان	ژاپن	مالزی
عنوان مشاغل	۲۳/۵	۲/۲	۱۸/۳	۱۴/۱	۷/۶
مشاغل علمی و تخصصی	۴/۸	۲/۲	۲/۸	۲۳/۳	۹/۹
کارکنان امور دفتری و اداری	۰/۲	۰/۱	۲/۷	۱/۰	۰/۲
مدیران و کارکنان عالی رتبه اداری	۱/۲	۲/۴	۲/۳	۱۲/۷	۶/۳
کارکنان امور بازگانی و فروشندگان	۳/۳	۳۸/۳	۱۰/۲	۱۱/۵	۸
کارکنان امور خدماتی	۲۶/۷	۱۱	۱۶/۶	۰/۶	۳۱/۳
کشاورزان و دامداران	۲۳/۵	۲۶/۳	۶/۷	۲۶/۸	۱۵/۵
کارکنان مشاغل تولیدی	۵/۸	۱۳/۲	۴۰/۴	-	۱۱
کارکنان مشاغل طبقه بندی شده و					
اظهار نشده					
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰



ورود زنان به پستهای کلیدی و مدیریتی که متناسب با توانایی و تخصص آنهاست.

### تعاونیها و بهبود موقعیت زنان

در عصر ما تعاون یک اهرم مناسب برای توسعه اقتصادی است که می‌تواند همگام با سیاستهای دولت، در بهبود شرایط زندگی، کار، تولید و ارتقاء سطح درآمد و وضعیت اجتماعی مردم موثر باشد و چنانچه بطور جدی مورد حمایت قرار گیرد. بار هزینه‌های دولتی را کاهش داده و بتدریج استقرار شرایطی را سبب می‌شود که طبقات مختلف مردم در مسائل اقتصادی مربوط به خود تصمیم گیرنده بوده و متناسب با برنامه‌های عمومی دولت، امور اقتصادی مربوط را عهده‌دار گردند.

با شرکت زنان در تعاونیهای زنان، بسیاری از مشکلات و موانع مشارکت آنها در روند توسعه برطرف خواهد شد. و مزایا و فواید زیادی عاید زنان خواهد شد از جمله می‌توان به ایجاد منبع کسب درآمد، افزایش ارزش افزوده محصولات تولید شده و در نتیجه کاهش هزینه‌هایی از جمله خرید مواد اولیه، هزینه حمل و نقل مواد اولیه خریداری شده، افزایش سرمایه و رفع احتیاجات از طریق دریافت وام و اعتبارات، فراهم آمدن شرایط برای ارائه هرچه بیشتر نظرات و پیشنهادات و نهایتاً مشارکت بیشتر زنان در تصمیم‌گیریها، افزایش تخصص و مهارت و... اشاره کرد، که اینها منجر به مشارکت هر چه بیشتر زنان در روند توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌شود. بر این اساس شرکتهای تعاونی به عنوان نیروی محرکه‌ای عمل خواهند کرد که مشارکت زنان را در روند توسعه افزایش می‌دهند.

آنچه بیشتر مدنظر ماست توسعه روستایی است زیرا زنان روستایی نقش موثری در توسعه کشاورزی و در نتیجه توسعه اجتماعی و اقتصادی دارند بدون

## بررسی وضعیت و موقعیت کشورهای جهان از لحاظ توسعه بیانگر این امر است که در جوامعی که تعادل مطلوب و قابل قبول مشارکت عادلانه زن و مرد در فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فراهم نشده و فرصت منصفانه بروز خلاقیت و استعداد انسانها در آنها برقرار نشده است، فرآیند توسعه آن گونه که انتظار داشته‌اند موفق نبوده است،

سازماندهی دقیق، نقش بسزایی در توسعه اقتصادی و اجتماعی روستاها خواهند داشت.

### نتیجه‌گیری

منابع انسانی یکی از عوامل موثر توسعه جوامع محسوب می‌شود که از آن به عنوان سرمایه اصلی توسعه یاد می‌شود، بنابراین موفقیت هر کشوری در مسیر توسعه پیوستگی تنگاتنگی با کیفیت منابع انسانی آن کشور دارد، منابع انسانی شامل کلیه زنان و مردان می‌باشد، کشوری در مسیر توسعه موفق خواهد بود و یا به عبارتی مرحله گذار از توسعه نیافتگی به توسعه یافتگی رابه سرعت و باموفقیت خواهد پیمود، که به زنان که تقریباً نیمی از جمعیت آن را تشکیل می‌دهند، بیشتر اهمیت داده و در برنامه‌های توسعه، بیشتر مدنظر قرار گرفته باشند.

برای مشارکت زنان باید زمینه‌های لازم از جمله سرمایه‌گذاری کافی در جهت توسعه و تنوع فرصتهای اشتغال و جهت‌گیری و راهنمایی زنان در گروههای شغلی افزایش سرمایه‌گذاریها در جهت بالابردن تحصیلات زنان بویژه زنان روستایی و کسب مهارت و تخصص لازم و... فراهم شود.

با وجود آنکه زنان نقش بسزایی در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی و توسعه ایفا می‌کنند، اما در اغلب جوامع این نقش تحقق نیافته به عبارتی زمینه‌های لازم برای مشارکت زنان فراهم نشده و در نتیجه موانع و مشکلاتی بر سر راه مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی بوجود

حضور زنان روستایی، توسعه روستایی تحقق نمی‌یابد و برای این منظور یعنی حضور و فعالیت موثر آنها باید زمینه‌های لازم را فراهم کرد و برای رسیدن به اهداف توسعه روستایی باید آموزش، ترویج و سازماندهی زنان در اولویت قرار گیرد تا توسعه اقتصادی و اجتماعی حضور زنان روستایی امکانپذیر گردد. تعاونیهای زنان روستایی در این راستا می‌توانند با آموزش، هدایت و سازماندهی نیمی از جمعیت روستاها که شامل دختران و زنان می‌باشد نقش موثری داشته باشند. این تعاونیها می‌تواند با توجه به توسعه روزافزون طرفداران و مصرف‌کنندگان خانگی (به علت عدم استفاده از مواد شیمیایی) نظیر شیرینی، سبزی، رب، ترشیجات و همچنین کارهای دستی، بافندگی، خیاطی و غیره در بین مردم زنان را آموزش داده و سپس برای تولید سازماندهی و هدایت و برای کالاهایشان بازاریابی نمایند تا از این انرژی عظیم در خانه‌ها نیز به نحو مطلوب استفاده شود.

با توجه به مطالب بالا می‌تون گفت که یکی از ابزارهای اصلی توسعه روستایی، تعاونیهای زنان روستایی می‌باشند که زمینه‌های لازم را برای مشارکت هرچه بیشتر زنان روستایی فراهم می‌کند. در این تعاونیها، مشارکت و همکاری گروهی در تولید ایجاد شده و خلاقیت و استعداد زنان روستایی بارور می‌شود. همچنین این تعاونیها باعث حضور چشمگیر زنان روستایی در صحنه تولید محصولات روستایی می‌گردد. تعاونیهای زنان روستایی در صورت برنامه ریزی و

آمده که منجر به کم‌رنگتر شدن نقش این بخش از جامعه، در توسعه شده است در این بین، موانع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مهمترین موانع مشارکت زنان در روند توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌باشد.

در رابطه با از میان برداشتن موانع و مشکلات موجود بر سر راه حضور زنان در بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باید به اصلاح باورهای فرهنگی مردم و جامعه در رابطه با زن که ناشی از عوامل و مسائل متعدد می‌باشد پرداخت و همچنین در رفع این موانع باید طوری برنامه‌ریزی شود که به پایبندی و اعتقادات مسحکم و استوار زنان به نهاد مقدس خانواده منجر شود، نه اینکه به جدایی آنان از خانواده بیانجامد، چون مشارکت زنان در غرب طوری انجام شده که به جدایی زن از خانواده انجامیده که این نیز آثار سوئی برای این کشورها در پی داشته است.

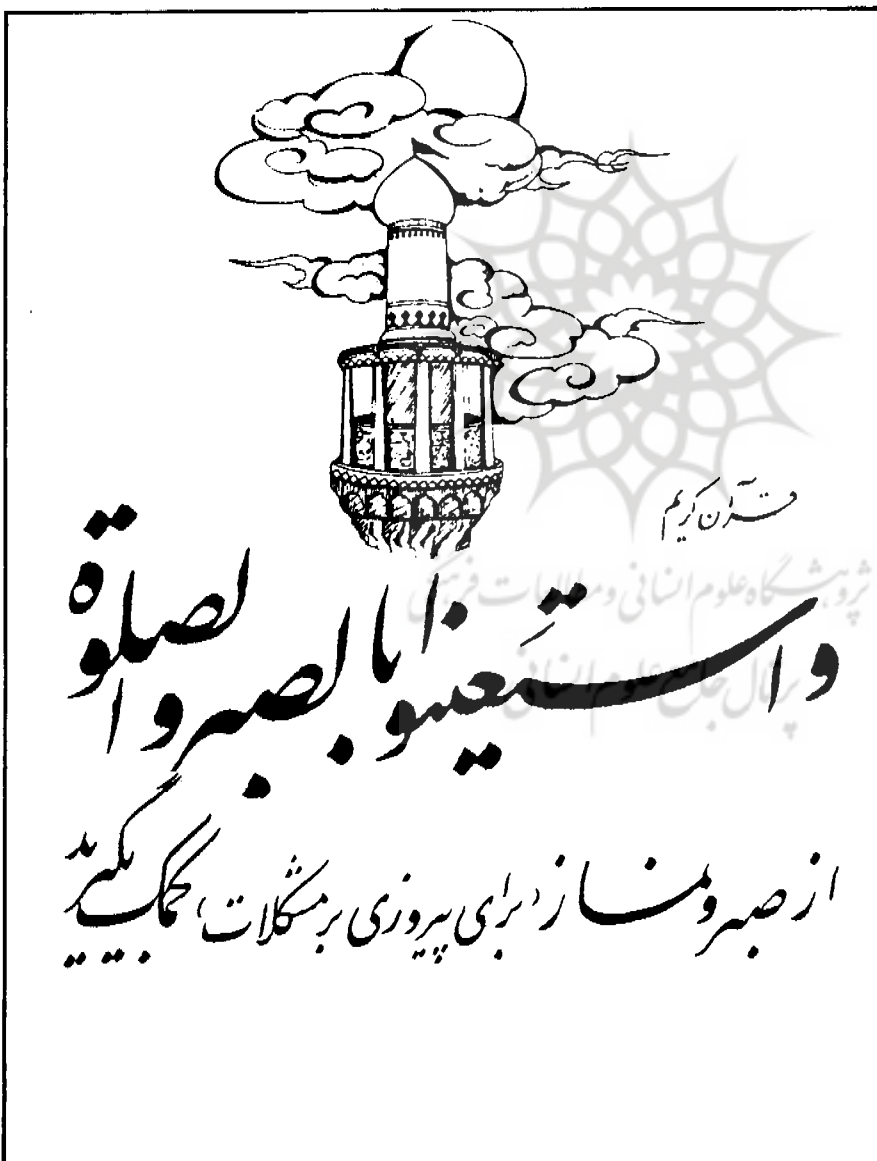
ابزاری که می‌تواند در رفع موانع موجود در مشارکت زنان و در روند توسعه اقتصادی و اجتماعی نقش موثری داشته باشد تعاونیهای زنان بخصوص تعاونیهای زنان روستایی می‌باشد، گفته شد که توسعه روستایی بدون مشارکت زنان تحقق نمی‌یابد، تعاونیهای زنان روستایی می‌توانند با فراهم کردن زمینه‌های لازم برای مشارکت هر چه بیشتر زنان روستایی، همچنین با آموزش، هدایت و سازماندهی زنان روستایی نقش موثری در توسعه روستایی و کشاورزی در نتیجه توسعه اقتصادی و اجتماعی داشته باشند.

#### منابع و مأخذ

- ۱- فقیهی، ابوالحسن، مجموعه مقالات سنجار بررسی مسائل اداری ایران (طوسی)، محمدعلی آموزش و پرورش و بالنده سازی نیروی انسانی در نظام دولتی، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ اول ۱۳۷۲.

- ۲- بهره‌وری «مجموعه مقالات»، (محسن، آینه و داد، منابع نیروی انسانی برای حداکثر بهره‌وری در زمینه فرهنگهای مختلف اسلامی، ترجمه عبدالله جاسبی)، مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، چاپ اول ۱۳۷۱.
- ۳- مظفری، بهجت الملوک، نگرشی اجمالی بر وضعیت زنان، فصلنامه تحول اداری، دوره چهارم، شماره ۱۴.
- ۴- بهار، فرزانه، نقش تعاون در بهبود موقعیت زنان جامعه ما، ماهنامه تعاون شماره ۴۹ مهر ماه ۱۳۷۴.
- ۵- چنگیزی آشتیانی، مهرانگیز، مشکلات اشتغال زنان در ایران و تجربه تعاونی زنان چینی در آفرینش اشتغال، ماهنامه تعاون شماره ۵۵ فروردین ماه ۱۳۷۵.
- ۶- بیگ زاد، جعفر، نقش شرکتهای تعاونی در توسعه اقتصادی واجتماعی، ماهنامه تعاون شماره ۶۱ آذر ماه ۱۳۷۵.

- ۷- مهریزی، مهدی، زن در فرهنگ اسلامی، ماهنامه پیام زن شماره پیاپی ۵۶ آبان ۱۳۷۵.
- ۸- رحیمی، موسی، زنان پیشروان توسعه روستایی، ماهنامه پیام زن شماره پیاپی ۶۴ تیر ماه ۱۳۷۶.
- ۹- عاقلی مقدم، هادی، اشتغال و نقش آن در آفریند توسعه روستایی، ماهنامه جهاد شماره ۱۸۱-۱۸۰ سال پانزدهم آذر و دی ۱۳۷۴.
- ۱۰- مشارکت زنان ضرورت تحقق اهداف توسعه (گزارش)، روزنامه همشهری سه‌شنبه ۲۲ آبان ۱۳۷۵ سال چهارم شماره ۱۱۱۹.
- ۱۱- نقش فراموش شده زنان در بازار کار ایران، روزنامه کار و کارگر شنبه ۲۹ دی ماه ۱۳۷۵، سال هفتم، شماره ۱۷۹۹.



ایجاد دامداریهای متمرکز بدلیل صرف اقتصادی آن و جلوگیری از تخریب مراتع مورد نیاز می باشد و در کنار این دامداریها احداث مجتمع صنایعی گوشت و تهیه فرآورده های دامی و صنایع لبنی از نیازهای عمده ای است که در صورت انجام می تواند در افزایش درآمد ساکنین استان مؤثر واقع گردد و در ایجاد اشتغال جدید کارساز باشد.



### مشخصات جغرافیائی

استان کهگیلویه و بویر احمد با وسعتی معادل ۱۶۲۶۴ کیلومتر مربع که حدود یک درصد خاک کشور را تشکیل می دهد در جنوب غربی ایران واقع گردیده و از شمال با استان چهارمحال و بختیاری، از مغرب با خوزستان و از مشرق و جنوب با استانهای اصفهان، فارس و بوشهر همجوار است. این استان سرزمینی است کوهستانی و مرتفع که کوههای زاگرس با رشته های موازی سراسر شمال و شرق آن را در بر گرفته و هرچه از شمال شرق به جنوب غرب نزدیکتر می شود، بلندیهای ارتفاعات آن کاهش می یابد و در نتیجه از میزان باران و رطوبت هوا بشدت کاسته می شود. این موقعیت طبیعی ویژگی اقلیمی دوگانه ای در منطقه پدید آورده و استان کهگیلویه و بویراحمد را به دو ناحیه سردسیر و گرمسیر تقسیم کرده است.

اول ناحیه سردسیر که شامل شمال شرق و مشرق استان می گردد وسعت این ناحیه بیش از ۶۰۰۰ کیلومتر مربع و ارتفاع آن از سطح دریا بطور متوسط ۲۱۰۰ متر بوده و چون میزان بارش برف و باران در این ناحیه بسیار زیاد است، بهمین دلیل مراتع آن سرسبز و جنگل هایش انبوه می باشد عمده ترین گونه گیاهی این منطقه را بلوط تشکیل می دهد بدین جهت بیشترین

وسعت جنگلها نیز از نوع بلوط است. شهرستان بویراحمد در این منطقه قرار دارد.

دوم ناحیه گرمسیر با مساحتی بیش از ۸۰۰۰ کیلومتر مربع که در جنوب و غرب استان و در مسیر بادهای گرم خوزستان قرار گرفته و آب و هوای آن نسبتاً گرم و خشک و میزان بارندگی اندک است و شهرستانهای کهگیلویه و گچساران در این ناحیه واقع اند.

وجود دو ناحیه سردسیری و گرمسیری با مناطق قشلاقی واقع در گچساران و کهگیلویه و مناطق ییلاقی مستقر در بویر احمد و دامنه های جنوبی بلندیهای زاگرس و همچنین برخورداری منطقه از مراتع طبیعی و کوهستانی، موقعیت مناسبی را جهت فعالیت های دامداری فراهم نموده و اعتدال هوای مناطق گرمسیری و سردسیری در فصول مختلف باعث ایجاد زمینه کوچ دامداران به این نواحی گردیده است. بهمین لحاظ نیز پایه های اصلی اقتصاد استان عمدتاً بر روی نگهداری و پرورش دام که از دیرباز در نظام عشایری و کوچ نشینی منطقه شکل گرفته و تا امروز جریان دارد استوار می باشد.

بطور کلی در مجموع می توان گفت که از نظر شرایط اقلیمی و وضعیت جغرافیائی

### چکیده طرح مطالعاتی

وجود امکانات طبیعی مناسب همچون رودخانه های پرآب خرسان، مارون و زهره کوههای مرتفع چون دنا و نور، دشت های پر وسعت مانند چرام، دهدشت و باشت، جنگل های وسیع که وسعت آن به ۶۵۰ هزار برآورد می گردد و نزدیک به ۲۵۰ هزار هکتار آن از نوع جنگل های انبوه می باشد، موقعیت خاصی به این استان داده است.

### شهرها و جمعیت

استان کهگیلویه و بویر احمد براساس آخرین تقسیمات کشوری از سه شهرستان، ۱۰ بخش، ۷ شهر، ۲۷ دهستان و ۱۹۸۵۰ آبادی دارای سکنه تشکیل شده و شهرستان بویراحمد بمرکزیت شهر یاسوج مرکز آنست و دیگر شهرستانهای آن عبارت از شهرستان کهگیلویه بمرکزیت شهر دهدشت و شهرستان گچساران بمرکزیت شهر دوگنبدان می باشد. در رابطه با پیدایش و رشد شهرهای استان

باید گفت که چون بافت منطقه اصولاً عشایری و روستائی است لذا هیچکدام از شهرهای آن خودجوش و خودرو نبوده بلکه هر یک بنا به دلایل و مقاصد خاص سیاسی و یا اقتصادی توسط دولتهای وقت ایجاد گردیده‌اند مثلاً شهر یاسوج بجهت ایجاد مرکزی برای کنترل منطقه بوجود آمده و سپس بمنظور شهریت دادن به آن و فراهم نمودن زمینه‌های اشتغال ساکنین شهر یک کارخانه قند که در همان زمان نیز بعلت فقدان اراضی کشاورزی کافی، فاقد

کوچ نشین منطقه به ۳۳۵۶۲۸ نفر می‌رسد و بدین ترتیب متوسط تعداد سکنه هر آبادی از ۱۶۹ نفر فراتر نمی‌رود که با در نظر گرفتن وضعیت کوهستانی منطقه، مشکلات مربوط به ارائه خدمات به این جمعیت بخوبی نمایان می‌گردد.

### ویژگیهای جمعیتی و مسئله اشتغال

جمعیت استان در سال ۱۳۷۰ بالغ بر ۴۹۶۷۳۹ نفر بوده است که از این تعداد ۳۵/۰۸ درصد در سنین کمتر از ده سال و ۲۵/۴۴ درصد در سنین ۱۰ تا ۲۰ سال

جمعیت بار معیشت نیز در استان بالاست به این معنی که هر فرد شاغل تکفل ۵/۵۴ نفر دیگر را بدوش می‌کشد و بهمین دلیل مسائلی همچون محدودیت درآمد شاغلین، پائین بودن سطح زندگی و محرومیت عمومی از مزایای رفاه از ویژگیهای بارز استان بشمار می‌رود که چنین امری خود اثرات نامطلوبی را در کلیه زمینه‌های اقتصادی نمودار ساخته و چرخ فعالیت بخش تولید که قسمتی از سرمایه‌گذاریهای آن قاعدتاً می‌بایست بصورت مشارکت عمومی صورت گیرد، بعلت فقدان پس انداز در بین عامه مردم از حرکت بازمانده است.

از نظر ترکیب شغلی آمارهای جمعیتی سال ۱۳۷۰ نشان می‌دهد که از میان جمعیت شاغل استان بیشترین تعداد یعنی ۳۴۴۳۷ نفر در بخش کشاورزی و دامپروری مشغول بوده‌اند و ۴۰۲۳ نفر در زمینه استخراج معدن، ۲۱۴۰ نفر در بخش صنعت و ۴۹۲ نفر در رشته آب و برق و گاز، ۸۲۹۲ نفر در فعالیت‌های ساختمانی ۴۴۰۷ نفر در فروشنده‌گی ۳۱۹۳ نفر در حمل و نقل ۶۵۴ نفر در خدمات مالی و ۲۷۰۳۱ نفر در امور عمومی فعالیت می‌کرده‌اند و فعالیت ۵۰۱۲ نفر نیز غیرقابل طبقه‌بندی بوده است.

این آمارها همچنین حاکی از آنست که در طی سالهای اخیر میزان شاغلین بخش‌های کشاورزی و صنعت کاهش یافته و در مقابل، تعداد شاغلین بخش خدمات افزایش پیدا کرده است.

و بالاخره در ارتباط با ویژگیهای اجتماعی و فرهنگی جمعیت منطقه باید به کثرت نسبی بیسوادی و فقدان تخصص جمعیت فعال و افراد جویای کار اشاره نمود که خود یکی از معضلات مبتلا به استان بشمار می‌رود و در این ارتباط آمارهای اداره کار یابی استان نشان می‌دهد که در سال ۱۳۷۲ از میان تعداد ۴۶۹۸ فرد جویای کار تعداد ۳۵ نفر دارای

## زمینه‌یابی تشکیل تعاونیها در

## استان کهگیلویه و بویر احمد

توجیه اقتصادی لازم بود، در جوار آن تأسیس شده است و یا شهر کچساران که بعنوان یک مجتمع ستادی برای خدمت رسانی به فعالیتهای استخراج نفت در منطقه پایه گذاری گردیده و هم اکنون نیز اغلب ساکنان آنرا کارکنان و کارگران شرکت نفت تشکیل می‌دهند. در حال حاضر تعدد آبادیهای استان و وجود ۷ شهر نسبت به کل جمعیت ۴۹۶۷۳۹ نفری منطقه در سال ۱۳۷۰ نشان دهنده توزیع نامتعادل جمعیت در این استان است بطوریکه با در نظر گرفتن جمعیت شهرها به تعداد ۱۶۱۱۱۱ نفر در سال مزبور، کل جمعیت مستقر در آبادیهای دیگر بانضمام جمعیت

۱۳/۹۹ درصد در گروه سنی ۲۰ تا ۳۰ سال ۱۰/۸۴ درصد در گروه سنی ۳۰ تا ۴۰ سال و بقیه در سنین بالاتر از ۴۰ سال قرار داشته‌اند، بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که جمعیت استان جمعیتی بسیار جوان بوده و نیروی فعال آن نسبتاً کم می‌باشد و چون تعداد کودکان زیر ده سال نسبت به کل جمعیت زیاد است لذا متوسط بعد خانوار نیز بالاست و در حدود ۶/۲ نفر می‌باشد که این نسبت رقم قابل توجهی است و از توسعه نیافتگی استان حکایت می‌کند.

از دیگر ویژگیهای جمعیتی این استان آنکه از بین جمعیت فعال آن تنها ۸۲ درصد بکار اشتغال دارند و بنا بدلیل جوانی

مدرک لیسانس و ۱۱۲ نفر فوق دیپلم، ۱۰۷۵ نفر دیپلم و ۱۱۲۵ نفر مدرک راهنمائی، تحصیلی ۱۳۰۳ نفر مدرک ابتدائی و ۷۰۰ نفر دارای سواد خواندن و نوشتن و ۳۳۸ نفر نیز بیسواد بوده‌اند.

## ویژگیهای اقتصادی کشاورزی

از نظر ساخت اقتصادی، بخش کشاورزی و دامپروری در استان کهگیلویه و بویر احمد نسبت به سایر بخش‌ها نقش برتر دارد، با اینحال کشاورزی استان عمدتاً دارای جنبه خودمصرفی است، و تولیدات زراعی آن سهم چندانی در درآمد مردم ندارد و تنها محصولات و فرآورده‌های دامی علاوه بر تأمین نیاز منطقه، بعنوان یک کالای مبادله‌ای در اقتصاد استان و تأمین معیشت مردم از اهمیت خاص برخوردار است، معذالک به لحاظ اینکه استان کهگیلویه و بویر احمد دارای دونوع آب و هوای سردسیری و گرمسیری می‌باشد لذا محصولات کشاورزی سردسیری و گرمسیری تقریباً در هر دو منطقه تولید می‌گردد. چون در ناحیه سردسیر بعلت ریزش زیاد برف و باران، میزان آبهای سطحی و عمقی فراوان است بهمین سبب در همه جا تراکم نسبی و تنوع جنگل‌ها بچشم می‌خورد و در جلگه‌های این ناحیه کشت محصولات سالانه زراعی معمول می‌باشد. بعلاوه باغداری و کشت درختان میوه نیز بدلیل مسطح نبودن اراضی و عدم رواج شیوه‌های نوین زراعت در بین کشاورزان و همچنین متناسب بودن آب و هوا با کشت درختان سردسیری و تأثیر تولید محصولات باغی در افزایش درآمد خانوارها، رایج است.

اما در ناحیه گرمسیر بعلت شدت نسبی گرمای هوا و کوتاه بودن ایام بارندگی، رشد و بقای گیاهان مرتعی کوتاه است

بنحوی که عشایر منطقه از اوایل اردیبهشت ماه بسوی مناطق سردسیر کوچ می‌نمایند. بطور کلی کشاورزی و تولید زراعی استان شدیداً متأثر از ساخت اجتماعی - اقتصادی و روابط عشایری موجود در منطقه می‌باشد کشت عمده را در منطقه اغلب گندم و جو و در بعضی جاهای دیگر برنج تشکیل می‌دهد که معمولاً بصورت دیم کاشته می‌شود. همچنین چغندر قند از دیگر محصولات زراعی است که تولید آن چندان قابل توجه نیست و کفاف صنعت قند موجود در استان را نمی‌دهد. بدین ترتیب و با توجه به عشایری بودن منطقه، تولیدات زراعی استان اصولاً مبتنی بر رفع نیازهای خود خانوارها است و بهمین دلیل نیز متوسط عملکرد و برداشت گندم در هکتار معمولاً کمتر از سایر مناطق مجاور بوده و علت عمده آن نیز به فرآیند تولید عشایری مربوط می‌گردد که در آن مرحله داشت در میان مراحل سه گانه کاشت، داشت، برداشت از اهمیت کمتری برخوردار است. و با توجه به اینکه جمعیت روستائی منطقه را معمولاً عشایر اسکان یافته تشکیل می‌دهند، لذا روستائیان که قاعدتاً شغل عمده آنها را باید کشاورزی تشکیل دهد دارای کارآئی کافی در این امر نبوده و بعلت نقصان تجربه، آشنایی آنان با فنون کشت بسیار ابتدائی است. لیکن در زمینه باغداری استان کهگیلویه و بویر احمد در سالهای اخیر رونق در خود توجهی یافته است. مهمترین تولیدات درختی این استان، انگور، انار، سیب، گلابی و آلو است که متأسفانه بدلیل فقدان راههای ارتباطی لازم حمل این محصولات به بازارهای مصرف چنانکه باید انجام نمی‌گیرد و بهره‌برداری لازم از آن بعمل نمی‌آید.

از نظر دامداری و تولید دامی باید گفت که این فعالیت رایجترین و مهمترین نوع فعالیت اقتصادی استان است لیکن هنوز عمدتاً در چارچوب شیوه‌های ابتدائی و به

شکل سنتی و متأثر از بافت نظام عشایری کوچ نشینی انجام می‌پذیرد. شیوه دامداری در استان کهگیلویه و بویر احمد فعلاً به سه شکل عشایری، روستائی و صنعتی است در دامداری نوع عشایری که بنا بر موقعیت طبیعی و شرایط اجتماعی و مقتضیات زندگی کوچ نشینی و رمه گردانی موجود در بین عشایر منطقه که انبوه جمعیت استان را تشکیل می‌دهند رایج می‌باشد. این فعالیت غالباً بصورت تولید، پرورش و نگهداری گوسفند است و نگهداری گاو کمتر در این نوع دامداری رایج است و از حیوانات دیگر هم به منظور حمل و نقل در هنگام کوچ نگهداری می‌نمایند.

در دامداری روستائی، دام و دامدار هر دو ساکن هستند و علوفه مورد نیاز از مراتع اطراف و پس چسب کشاورزی زراعت‌های مختلف و گاه و خوراک دام تأمین می‌شود و بالاخره دامداری صنعتی که با توجه به وفور بره در استان فعالیت اقتصادی است و در حال حاضر نیز تعداد ۷ واحد پروراندی بره با ظرفیت ۲۶۰۹۰ رأس بره در دوره و ۱۱ واحد پروراندی گوساله با ظرفیت ۱۴۲۰ رأس و ۱۱ واحد گاو داری با ظرفیت ۳۷۰ رأس و یک واحد پرورش بز نجدی با ظرفیت ۲۵۰ رأس در سطح استان وجود دارد.

در زمینه مرغداری علاوه بر وجود بیش از ۱/۵ میلیون قطعه مرغ بومی که اغلب در خانوارهای عشایری و روستائی و حتی شهری استان بمنظور تولید تخم مرغ و استفاده از گوشت آن نگهداری می‌شود تعداد ۵۲ واحد مرغداری صنعتی گوشتی با ظرفیت ۶۸۲ هزار قطعه در هر دوره وجود دارد که ۲۳ واحد دیگر مرغ گوشتی با ظرفیت ۳۹۵ هزار قطعه و یک واحد مرغ تخمگذار با ظرفیت ۳۰۰۰۰ قطعه نیز در دست احداث می‌باشد.

در زمینه پرورش ماهی ۲ واحد پرورش ماهی قزل آلا، مجموعاً با ظرفیت ۷۰ تن

که تنها یک شهرک واقع در یاسوج از امکانات آب، برق تلفن برخوردار بوده و بقیه فاقد امکانات لازم می‌باشند.

**صنایع دستی:** در میان رشته‌های صنایع دستی تولید و بافت گلیم و جاجیم و کبه رایج‌تر است که در طی سالهای اخیر با حمایت اداره کل صنایع دستی رونقی گرفته‌اند از جمله آنکه با ایجاد واحدهای آموزشی قالبیابی اغلب قالبیافتان صاحب تخصص و تجربه گردیده‌اند.

### معادن

تا سال ۱۳۶۱ تنها سه معدن سنگ گچ در سطح استان با روش بهره برداری بسیار ابتدائی فعالیت داشت ولی از اواخر سال مزبور ببعد علیرغم وجود مشکلات و تنگناهای موجود، اداره کل معادن و فلزات استان توانسته است در جهت شناسائی ذخایر معدنی قدم‌های مؤثری بردارد بطوریکه پس از ده سال یعنی در پایان سال ۱۳۷۳ تعداد ۳۳ معدن فعال در استان فعالیت داشته‌اند که از این تعداد ۱۶ معدن سنگ گچ ۱۳ معدن سنگ لاشه، ۲ معدن سنگ تزئینی ۱ معدن سیلستین و یک معدن سنگ آبی می‌باشد. در زمینه معدن نفت باید گفت که میداین نفتی استان کهگیلویه و بویراحمد در شمار میداین نفتی با اهمیت در سطح کشور محسوب می‌گردد و میدان نفتی گچساران یکی از قدیمیترین میدانهای نفتی منطقه می‌باشد. که از سال ۱۳۱۹ استخراج نفت آن آغاز شده در حال حاضر نیز پس از میدان نفتی آسماری اهواز بزرگترین میدان نفتی کشور بشمار می‌رود.

### خدمات و بازرگانی

مناطق روستائی و عشایر نشین استان کهگیلویه و بویراحمد، عمدتاً از بافت اقتصادی، دامداری برخوردارند این بافت طبیعتاً اثرات خود را بنحو گسترده‌ای در بازرگانی استان نمایان ساخته و در شیوه‌های مبادله کالاهای مورد مبادله



وجود زمینه‌های مناسب جهت سرمایه‌گذاری در فعالیتهای مختلف صنعت توریسم از جمله استعدادهائی است که می‌تواند در گسترش و بهبود ساختارهای درآمدی و اقتصادی منطقه و ایجاد اشتغال مؤثر واقع گردد.

بویراحمد بشمار می‌رفت که در سال ۱۳۴۶ با ظرفیت روزانه یکهزار تن چغندر قند تأسیس گردیده که با در نظر گرفتن ظرفیت تولیدی سالانه آن و متوسط عملکرد چغندر در هکتار فعالیت آن چندان قابل توجیه نمی‌باشد. لیکن در سالهای اخیر موافقت‌های اصولی متعددی برای احداث واحدهای صنعتی مختلف در این استان صادر گردیده که بعضاً تأسیس یافته و به بهره برداری نیز رسیده‌اند. این صنایع در زمینه‌های غذایی و داروئی، نساجی و چرم شیمیائی و سلولزی، فلزی کانی غیرفلزی و برق و الکترونیک فعالیت می‌نمایند و اداره کل صنایع استان نیز بمنظور حمایت از فعالیتهای صنعتی اقدام به احداث ۳ شهرک صنعتی در یاسوج، دو شهرک در گچساران و یک شهرک در دهدشت نموده

سال در یاسوج فعالیت دارد و یک واحد هم با ظرفیت ۳۰ تن بصورت نیمه فعال فعالیت می‌نماید، و دو واحد دیگر هم با ظرفیت ۳۰ تن در سی سخت در دست احداث است که با احتساب مجموع آنها می‌توان گفت که ۵ واحد تکثیر پرورش ماهی در استان موجود است.

در مورد زنبور عسل اگرچه در پایان سال ۱۳۷۳ تعداد ۱۸۹۱۶ کلنی کندوی عسل مدرن در استان موجود بوده لیکن این فعالیت چنانکه باید زیاد با استقبال مردم روبرو نیست و شاید یکی از علل عمده آن ساختار عشایری جامعه و دیگر عدم دسترسی به بازارهای فروش می‌باشد.

### صنعت

تا چندی قبل کارخانه قند یاسوج تنها صنعت موجود در استان کهگیلویه و

## دامداری رایجترین و مهمترین نوع فعالیت اقتصادی استان است لیکن هنوز عمدتاً در چارچوب شیوه‌های ابتدائی و به شکل سنتی و متأثر از بافت نظام عشایری کوچ نشینی انجام می‌پذیرد.

تسبلور یافته است. شهرهای یاسوج، گچساران در دهدشت مراکز عمده مبادله کالا در استان، عمدتاً برای تأمین مایحتاج استان رویسوی استانهای همجوار دارند و از طرفی کمبود مراکز تولید کالا در منطقه هم، باعث آن شده است که شهرهای استان عمدتاً پذیرای واردات کالاهای مصرف کردند عدم توسعه بخش‌های صنعت و معدن و مراکز خدماتی نیز مزید بر علت بوده و خرید و فروش کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای صنعتی و خدماتی را به حداقل رسانیده است، مراکز عمده مبادله کالا در استان یعنی شهرهای یاسوج، دوگنبدان و دهدشت معمولاً تحت تأثیر بازارهای عمده‌تر در استانهای فارس، اصفهان و خوزستان قرار دارند. از طرفی نبود سرمایه‌های عمده تجاری و بازارهای پیشرفته در استان و عدم وجود زمینه‌های تشکیلاتی مناسب در بین گردانندگان شبکه توزیع داخلی استان سبب گردیده که سیستم تجاری و عمده فروشی کالا در استان از حلقه‌های ضعیف توزیع کالا بشمار آید، از طرف دیگر از رقابت مناسب در بازار نیز که می‌تواند ضامن عدم ترقی قیمت کالا باشد در بازارهای استان خبری نیست. توزیع کالا در استان به سه صورت دولتی - تعاونی و خصوصی انجام می‌پذیرد. بخش دولتی بیشتر در توزیع کالاهای سهمیه بندی شده نقش اساسی دارد و بخش تعاونی عمدتاً در شبکه‌های تعاونی روستائی - عشایری و تعاونیهای شهری در زمینه توزیع کالا فعالیت می‌نماید و بخش خصوصی در کنار دو بخش فوق بطور گسترده‌ای دست اندرکار داد و ستد و توزیع کالا است.

اما در زمینه خدمات باید گفت که در سال ۱۳۷۰ بیش از ۴۹ درصد جمعیت

شاغل استان در این بخش جذب بوده‌اند که در مقایسه با شاغلین بخشهای دیگر از یک رشد ناهماهنگ حکایت می‌کند که از جمله علل رشد ناموزون این بخش باید به سهولت و آسانی کارهای خدماتی عدم نیاز به تخصص و مهارت لازم، پائین بودن سطح ثروت عمومی و عدم نیاز مشاغل خدماتی به سرمایه‌گذاری زیاد و درآمدزا بودن این قبیل فعالیتها اشاره کرد.

### نیازهای اقتصادی

استان کهگیلویه و بویراحمد به جهت عدم توسعه مطلوب و شرایط ویژه خود نیازمند سرمایه‌گذاری و اجرای پروژه‌های عمرانی اجتماعی متعدد و متناسب با شرایط روستائی و شهری است تا زمینه لازم برای تحولات اجتماعی، اقتصادی و صنعتی در این منطقه فراهم آید. بعنوان مثال در بخش کشاورزی مهار کردن آبهای سطحی و توسعه سطح زیرکشت به ویژه در محدوده دشت‌های جنوبی استان از طریق تبدیل اراضی دیم قابل آبیاری به اراضی آبی، کاهش اراضی تحت آیش و اجرای کشت‌های مجدد، از جمله از سیاست‌هایی است که در توسعه بخش کشاورزی منطقه مؤثر است و با توجه به اینکه مناطق سردسیر شمالی استان هم مستعد کشت علوفه و حبوبات می‌باشد ایجاد دامداریهای متمرکز بدلیل صرفه اقتصادی آن و جلوگیری از تخریب مراتع، مورد نیاز می‌باشد.

ایجاد صنایع جنبی در کنار دامداری و ایجاد مجتمع صنعتی گوشت در استان و تهیه فرآورده‌های دامی و ایجاد و گسترش صنایع لبنی در استان خصوصاً شهرستان‌های بویراحمد و کهگیلویه از نیازهای عمده‌ای است که در صورت انجام می‌تواند در افزایش درآمد ساکنین استان

مؤثر واقع گردد و در ایجاد اشتغال جدید کارساز باشد. همچنین باتوجه به وجود معادن بسیار زیاد در استان و رشد کند و بطئی فعالیتهای معدنی، سرمایه گذاری در این بخش نیز از نیازهای ضروری استان بشمار می‌رود.

و اما در زمینه خدمات و بازرگانی از آنجا که ترکیب جمعیت شاغل در بخش خدمات در استان بعنوان یک ترکیب کاذب و غیرمنسجم و ناهماهنگ نمایان می‌باشد. لذا بعنوان اولویت اول با توجه به شرایط خاص استان و ضعف بنیه تکنیکی، گسترش آموزشگاههای آموزش فنی حرفه‌ای در سطح استان مورد نیاز است که خود این امر زمینه ساز تحول در بخش فرهنگ منطقه نیز خواهد بود. در بخش حمل و نقل شهری و بین شهری امکانات عرضه خدمات بخصوص در نقل و انتقال بار بسیار کمتر از نیاز و تقاضا می‌باشد، در شهرستان دهدشت، نیاز به ارائه خدمات در زمینه رستوران، هتل داری و حمل و نقل شهری بوضوح احساس می‌شود.

همچنین طبیعت زیبا و دل‌انگیز منطقه ایجاب می‌نماید که در زمینه صنعت توریسم نیز سرمایه‌گذاری بعمل آید. و بالاخره احداث و راه اندازی طرحهای مهم زیربنائی از قبیل راه‌های ارتباطی، بیمارستان، فرودگاه، و ایجاد مدارس آموزش عالی احداث خانه‌های ارزانقیمت جهت اسکان جمعیت و جذب نیروهای متخصص از نیازهای اساسی در مسیر توسعه اقتصادی استان می‌باشد.

### استعدادها

نظر به دوگانگی آب و هوا در استان کهگیلویه و بویراحمد و به برکت شرایط



اقلیمی مساعد خصوصاً در منطقه سردسیر، استعدادهای فراوانی از نظر فعالیت‌های کشاورزی در این استان موجود می‌باشد از جمله اینکه به سبب تناسب آب و هوای نقاط سردسیر با درختان نقاط سردسیری و مناطق گرمسیر با درختان گرمسیری امکان توسعه فعالیت در این زمینه و افزایش درآمد باغداران بیش از آنچه که هست موجود می‌باشد. در زمینه دامداری، پرورش بز نجدی که دارای جثه نسبتاً بزرگ و میزان شیردهی تقریباً زیاد و خاصیت دوبارزائی و دوقلوزائی در سال را دارد و از نظر تغذیه نیز بسیار کم‌توقع است و اخیراً نیز پرورش آن در منطقه رواج پیدا کرده است، با شرایط اقلیمی استان متناسب می‌باشد از نظر زنبورداری و تولید عسل نیز استان کهگیلویه و بویراحمد یکی از مساعدترین شرایط را برای پرورش زنبور عسل در مملکت داراست که توجه به گسترش این فعالیت علاوه بر ایجاد و شغل و درآمد برای عده‌ای از مردم انگیزه‌ای نیز جهت حفظ محیط طبیعی بویژه از نظر پوشش گیاهی و نباتات علوفه‌ای خواهد بود. وجود درختان میوه و افزایش سطح زیرکشت باغات و تداوم آن نیاز به زنبورداری را ضروری می‌سازد. زیرا که زنبور یکی از عوامل اصلی انتقال گرده برای گیاهان است. همچنین تولید موم که در صنعت واکس سازی مصرف فوق‌العاده‌ای دارد از مزایای اقتصادی و صنعتی گسترش زنبورداری بحساب می‌آید.

یکی دیگر از استعدادهای طبیعی استان آنست که در این استان گیاهانی که مصارف داروئی و صنعتی دارند با تنوع بسیار در خور توجهی می‌روند. این گیاهان که بصورت پراکنده در بعضی از مناطق استان یافت می‌شوند، تعدادشان به ۲۳۰ گونه گیاهی می‌رسد و برای درمان بیماریها مؤثرند اما تاکنون بطور اقتصادی

مورد استفاده و بهره برداری قرار نگرفته‌اند.

وجود جنگلهای انبوه بلوط و درختچه‌هایی مثل بنه، کیکله، زالزالک، زبسان‌گنجشک و پسته وحشی از دیگر امکانات موجود استان بشمار می‌رود مخصوصاً بلوط که ۸۰ درصد جنگلهای استان را تشکیل می‌دهد و بذر آن در تهیه خوراک دام و طیور و تامین نیاز صنایع چرمسازی و همینطور داروسازی و پزشکی، شیمیائی و عکاسی، تولید پلاستیک و چسب، صنایع دریائی، صنایع سرامیک و صنایع دیگر می‌تواند مؤثر باشد. خلاصه آنکه قابلیت‌ها و استعدادهای طبیعی این استان برای توسعه امر

دامداری، کشت درختان سردسیری و گرمسیری و پرورش زنبور عسل کاملاً مناسب است و با ایجاد صنایع جنبی برای تبدیل تولیدات آنها می‌توان این منطقه را بصورت انبار مواد غذایی برای استانهای همجوار تبدیل نمود. همینطور با ایجاد سایر صنایع جنبی کشاورزی برای

محصولات کشاورزی مانند صنایع چوب به اقتصاد استان پیشرفت قابل ملاحظه‌ای بخشید. از باب معدن نیز زمینه فعالیت‌های معدنی در وضعیت بسیار مناسب، برای استان فراهم است که در صورت از قوه به بالفعل در آمدن می‌تواند توسعه بخش‌های دیگر اقتصادی به دنبال بیاورد و بالاخره اینک وجود زمینه‌های مناسب جهت سرمایه گذاری در فعالیتهای مختلف صنعت توریسم از جمله استعدادهایی است که می‌تواند در گسترش و بهبود ساختارهای درآمدی و اقتصادی منطقه و ایجاد اشتغال مؤثر واقع گردد.

### موانع و مشکلات

استان کهگیلویه و بویراحمد از مناطق محروم کشور بشمار می‌رود که با مشکلات فراوانی در بخشهای مختلف اقتصادی مواجه است و موانع متعددی در مسیر توسعه فعالیت‌های خود پیش رو دارد. یکی از مشکلات اساسی استان کمبود تولید کالا محدودیت سرمایه و سرمایه‌گذاری در



بخش‌های کشاورزی، صنعت خدمات و بازرگانی است، و همچنین پائین بودن سطح دانش و تکنولوژی، کمبود نیروهای متخصص - فقدان مدیریت کارآمد. عدم اجرای روش‌های صحیح بهره برداری در امر کشاورزی، احیاء مراتع و تولید محصولات کشاورزی. سنتی بودن فعالیت‌های مربوط به امور دامداری که عمده‌ترین فعالیت اقتصادی منطقه را تشکیل می‌دهد، و بالاخره پائین بودن سطح آگاهی‌های عمومی از مسائل اساسی و موانع عمده در توسعه اقتصادی استان است.

## میزان رغبت مردم به مشارکتهای تعاونی و جایگاه بخش تعاون در اقتصاد استان

امر یاریگری و تعاون نه تنها در میان عشایر بعنوان یک اصل ریشه دار و قدیمی زندگی مطرح است، بلکه به لحاظ استواری ساختار اجتماعی منطقه به نظام عشایری، اکثریت مردم استان نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشند. بهمین سبب می‌توان گفت که زمینه‌های فکری و فرهنگی مردم اعم از شهری و روستائی در ارتباط با بخش تعاون بسیار مساعد بوده و غالباً به مشارکت در فعالیت‌های تعاونی راغب اند. این مطلب را شاید بتوان با ارائه آمارهای تعاونی‌های موجود استان که در زمینه‌های مختلف اقتصادی فعالیت می‌نمایند تأیید نمود. آمارهای اداره کل تعاون استان کهگیلویه و بویراحمد نشان می‌دهد که در سال ۱۳۷۴ تعداد ۱۳ تعاونی تولیدی مرغ گوشتی فعال با ظرفیت ۲۵۵۰۰۰ قطعه و ۱۲ واحد در دست احداث با ظرفیت ۲۷۰۰۰۰ قطعه و یک واحد تعاونی مرغ تخمگذار با ظرفیت ۲۰۰۰۰ قطعه در کهگیلویه و بویراحمد موجود بوده که نزدیک به ۴۸/۷ درصد گوشت مرغ مورد نیاز استان را تأمین می‌نموده است. در زمینه پرواربندی بره ۱۲ واحد تعاونی با ظرفیت ۸۷۰۰ رأس

بصورت فعال موجود، و ۴ واحد دیگر با ظرفیت ۲۸۵۰ رأس در دست احداث بوده، همچنین یک واحد پرورش گوساله با ظرفیت ۲۵۰ رأس و یک واحد پرورش بز نجدی با ظرفیت ۳۰۰ رأس به شیوه تعاونی فعالیت می‌کرده‌اند، و در زمینه شیلات و پرورش ماهی سرد آبی نیز ۳ واحد پرورش ماهی قزل‌آلا هر یک با ظرفیت ۳۰ تن در حال احداث بوده‌اند، در بخش صنعت هم تشکیلات تعاونی همانند سایر بخش‌ها جایگاه خاصی را در استان کهگیلویه و بویر احمد بخود اختصاص داده است بطور مثال در سال ۱۳۷۴ از ۲۰ واحد صنایع شیمیائی و سلولزی ۳ واحد و از ۴۸ واحد کانی غیرفلزی ۲۶ واحد و از ۶۰ واحد صنایع فلزی ۵ واحد و از ۱۳ واحد برق و الکترونیک ۲ واحد به بخش تعاون اختصاص داشته، همچنین از میان ۵۷ معدن فعال استان تعداد ۱۶ معدن بصورت تعاونی فعالیت می‌نمودند و در مجموع ۳۰ درصد اشتغال بخش معدن مربوط به تعاونیها بوده است. در ارتباط با توزیع ۸۲ شرکت تعاونی مصرف کارگری و کارمندی و تأمین نیاز تولید کنندگان و مصرف کنندگان به امر توزیع کالا مشغول بوده‌اند و اگر تعداد ۴۵ تعاونی روستائی و ۴۲ تعاونی عشایری را با حدود ۵۲ فروشگاه به مجموع این تعاونیها اضافه نمایم بیشتر متوجه رشد تعاونیها و گسترش امر تعاون در میان جامعه استان خواهیم بود. در زمینه خدمات نیز فعالیت این قبیل تعاونیها قابل توجه بوده بنحویکه در سال مورد نظر مجموعاً ۲۵ شرکت تعاونی در ارتباط با فعالیت‌های مختلف خدماتی وجود داشته است.

## زمینه‌های شناسائی شده و امکان‌پذیر جهت انجام فعالیت به شیوه تعاونی

در بررسی نیازها و استعدادهای منطقه این مطلب حاصل گردید که بمنظور توسعه اقتصادی، و محرومیت زدائی استان، ایجاد

اشتغال مولد و نیل به خودکفائی و برقراری موازنه مثبت در داد و ستد کالا و خدمات بین این استان و سایر استانهای کشور، زمینه‌های بسیار متعددی جهت سرمایه‌گذاری در بخش‌های کشاورزی، صنعت و معدن، توریسم خدمات و بازرگانی وجود دارد. معذالک آنچه که در این ارتباط باید مدنظر قرار گیرد، توجه به این نکته است که برخی از این زمینه‌ها منحصرأ در قالب طرح‌های عمرانی و توسط دولت قابل اجرا می‌باشد. بهمین سبب در اینجا تنها به آن دسته از فعالیت‌های اقتصادی اشاره می‌شود که سرمایه‌گذاری در زمینه آنها با استفاده از شیوه‌های تعاونی و ضمن در نظر گرفتن شرایط اقلیمی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی استان امکان‌پذیرتر بوده و ایجاد تشکیلات تعاونی جهت انجام فعالیت در زمینه آنها مناسب و دارای توجیه می‌باشد. این فعالیتها عبارتند از:

- ۱- یکپارچه سازی اراضی با ایجاد تعاونیهای زراعی بمنظور کشت گیاهان علوفه‌ای جهت تغذیه احشام و تعریف دام‌های منطقه.
- ۲- ایجاد واحدهای دامپروری صنعتی با توجه به ازدیاد دام‌های استان و به منظور جلوگیری از تخریب مراتع و پرواربندی با استفاده از تغذیه دستی.
- ۳- ایجاد واحدهای تعاونی پرورش بز نجدی با توجه به شرایط آب و هوایی مناسب منطقه و خواص برتر این نژاد خصوصاً کم توقعی غذایی و چندقلوزائی.
- ۴- ایجاد واحدهای پرورش گاو شیری بشرط تشکیل تعاونیهای تولید علوفه و بمنظور تأمین نیاز واحد شیر پاستوریزه استان.
- ۵- ایجاد واحدهای پرورش مرغ گوشتی و تخمگذار بمنظور تأمین نیازهای استان و ایجاد اشتغال مولد در نقاط محروم منطقه.
- ۶- ایجاد واحدهای تعاونی پرورش

ماهی‌های گرم آبی از طریق هدایت آب رودخانه‌ها به استخرهای پرورش ماهی در مناطق گرمسیر و ماهی‌های سرد آبی بخصوص قزل آلا در نقاط سردسیر.

۷- تشکیل تعاونیهای خدمات مکانیزاسیون کشاورزی بمنظور فراهم نمودن زمینه‌های مناسب کاشت، داشت و برداشت محصولات کشاورزی.

۸- تشکیل واحدهای تعاونی جمع آوری شیر جهت عرضه به کارخانجات فرآورده‌های مواد لبنی و استفاده بهتر و بیشتر از شیر و فرآورده‌های آن.

۹- احداث کارخانه گچ پاکتی در نواحی گچساران و کهگیلویه.

۱۰- احداث کارخانه گچ طبی در شهرستان بویراحمد با استفاده از معدن گچ خالص ناحیه امیرآباد یاسوج.

۱۱- بهره‌برداری از معدن سیلیس سی سخت بمنظور تهیه شیشه و سایر محصولات.

۱۲- احداث کارخانه برش سنگ‌های گرانیتی در سی سخت.

۱۳- احداث کارخانه تولید نئوپان با استفاده از سرشاخه‌های باغی و جنگلی در شهرستان بویراحمد.

۱۴- ایجاد کارخانه سورتینگ و بسته بندی میوه در منطقه سی سخت یاسوج.

۱۵- اجرای طرحهای تعاونی مختلف بمنظور تولید مشتقات حاصل از نفت در گچساران.

۱۶- احداث کارخانه‌های صنایع تبدیلی در زمینه تولید کمپوت و عصاره میوه.

۱۷- ایجاد واحدهای تعاونی تولید مواد لبنی و محصولات چرمی با توجه به وفور دام در منطقه.

۱۸- ایجاد تشکلهای تعاونی بمنظور جمع‌آوری و بسته بندی گیاهان دارویی بدلیل وجود گونه‌های متنوع این قبیل گیاهان در منطقه و احداث کارگاههای اسانس‌گیری از گیاهان مزبور.

۱۹- ایجاد کارگاههای تعاونی رنگرزی گیاهی بمنظور استفاده از مواد طبیعی گیاهی در رنگرزی پشم.

۲۰- احداث کارخانه‌های آردسازی در شهرهای دهدشت و گچساران بمنظور تأمین آرد مصرفی مورد نیاز.

۲۲- ایجاد تعاونیهای صنایع دستی بمنظور تولید گلیم، جاجیم و گبه بصورت نیمه متمرکز.

۲۳- ایجاد تعاونیهای حمل و نقل بار و مسافر به نقاط مختلف استان خصوصاً در شهر یاسوج.

۲۴- احداث سردخانه و انبارهای تعاونی در شهرهای مختلف بمنظور نگهداری و انبار محصولات کشاورزی، دامی و تولیدی

۲۵- ایجاد تشکلهای تعاونی عرضه و فروش دام بمنظور جلوگیری از خروج بی‌رویه دام از استان و تأمین منافع دامداران محلی.

۲۶- ایجاد آموزشگاهها و مدارس غیرانتفاعی در شهرهای یاسوج و گچساران

۲۷- تأسیس درمانگاههای پزشکی در شهرهای گچساران در دهدشت.

۲۸- ایجاد واحدهای ارائه خدمات و تسهیلات توریستی مانند کمپنیک و چادر، سرویس‌های بهداشتی، غذاخوری و استراحتگاه و غیره در شهرهای یاسوج، دهدشت و سی سخت.

۲۹- ایجاد تشکلهای تعاونی بمنظور ارائه خدمات تفریحی و ورزشی از قبیل احداث شهربازی، توسعه و تجهیز پیست‌های اسکی.

۳۰- ایجاد واحدهای تعاونی مهد کودک در یاسوج و گچساران.

## تعیین اولویت‌های سرمایه‌گذاری و منابع آن

در طرحهای کشاورزی و دامپروری چون اجرای اغلب طرحهای پیشنهادی ضروری است و تقریباً همه از اهمیت

یکسان برخوردارند بدین جهت اولویت‌ها و تقدم و تأخر در بین آنها در اکثر موارد نسبی بوده و در واقع هر یک از طرحها مکمل اهداف طرح دیگر می‌باشد.

اما در طرحهای صنعتی اولویت طرح تولید مشتقات نفتی از بقیه طرحها بیشتر است، زیرا علاوه بر وجود میادین نفتی بزرگ در استان، اصولاً این فعالیت از اشتغال‌زائی بسیار بالائی برخوردار بوده و می‌تواند منشاء توسعه اقتصادی منطقه گردد. اجرای طرحهای مزبور به فعالیت‌های معدنی نیز با توجه به وجود زمینه‌های مساعد روستائی در استان در اولویت بعدی قرار دارد و در ارتباط با طرحهای خدماتی نیز اولویت ایجاد طرحهای توریستی بیشتر می‌باشد، البته لازم به یادآوری است که امکان سرمایه‌گذاری در زمینه کلیه فعالیت‌های شناسائی شده بدون حمایت‌های دولت چندان میسر نخواهد بود، زیرا بدلیل فقدان تخصص و عدم توان مالی ساکنین منطقه امکان پذیری اجرای طرحهای اقتصادی بصورت انفرادی بسیار بعید بنظر می‌آید بهمین لحاظ ضرورت دارد که بمنظور تسهیل در امر توسعه اقتصادی استان و تقویت و توسعه بخش تعاون، ایجاد اشتغال مولد و تعدیل و ثروت و تأمین عدالت اجتماعی، اقدامات حمایت‌گرانه ذیل از طرحهای تعاونی مولد و اشتغال‌زا، توسط دولت بعمل آید.

۱- حمایت مالی کافی از طرحهای قابل اجرا بصورت اعطای اعتبارات وامی با در نظر داشتن عدم توان مالی مجریان طرحها از یک سو و تورم روزافزون از سوی دیگر.

۲- حذف پاره‌ای از ضوابط پیچیده بانکهای عامل و پرداخت بموقع اعتبارات سرمایه‌گذاری به مجریان طرحها.

۳- تعدیل ضوابط مربوط به شرکت‌های تعاونی از قبیل سهم سرانه اعتبارات وامی قابل پرداخت به اعضاء و نیز درصد سهم هر عضو در تعاونی.

## شرکت تعاونی مراقبتهای بهداشتی

آموزش عنصر اساسی عملکرد خوب شرکت است و باید چنین باشد. شرکت در کنترتهای مربوط به امور بیمارستانی مشارکت می‌کند، با مؤسسات رسمی مراقبتهای بهداشتی خانگی رقابت می‌کند، و همگام با شرکتهای دیگر تلاش دارد تا خدمات بهداشتی - درمانی را به قیمت ارزان عرضه نماید. قابلیت اعتماد اعضای این تعاونی، و صلاحیت و صبر و حوصله آنان در کل منطقه به صورت الگو درآمده است. مدیران بیمارستانها و مسئولان امور دولتی میزان اعتماد پذیری این تعاونی را باور دارند، زیرا این شرکت اثبات کرده که پرداخت بیشتر و فراهم کردن شرایط مطلوبتر باعث می‌شود که کارگران خدمات بهتری ارائه دهند.

نتیجه رسید که رشد خدمات بهداشتی خانگی ۲۰ درصد در سال است. در این زمینه افراد زیادی به صورت تمام وقت و نیمه وقت، با دریافت حق الزحمه اندک، بدون نیاز به مراقب یا بازرس، و با کارایی قابل ملاحظه کار می‌کنند. با اینحال نوع فعالیت به گونه‌ای است که پس از مدتی اشتغال می‌تواند افراد را از لحاظ کیفیت کاری و برخورداری از تخصص و دریافت حقوق بیشتر به سطح قابل ملاحظه‌ای برساند.

در آن زمان بودجه مدی کر<sup>(۴)</sup> (یعنی مرکز مراقبتهای بهداشتی دولتی) کم شده بود و به این دلیل هزاران نفر را پیش از درمان کامل از بیمارستان مرخص می‌کردند. سازمانهای سنتی مراقبتهای

در سال ۱۹۹۲ یکی از جوایز سه گانه مجله INC به این شرکت تعلق گرفت؛ این جوایز به نوآوران یا پیشگامان فعالیت در هر سال اهداء می‌شود. همچنین شرکت یاد شده از جمله پنج برنده تراست فعالیتهای بازرگانی<sup>(۲)</sup> شده، زیرا در کارهای خود 'شهامت'، هماهنگی و اتحاد و نگرش خدمت به اجتماع داشته است.

با اینحال، نباید تصور کرد که داستان توفیق این تعاونی به همین سادگی است. در سال ۱۹۸۵ تعاونی یاد شده به کمک مردم تاسیس شد و در همان سال ریک سورپین<sup>(۳)</sup> به عنوان یک مرکز منحصر به فرد اشتغال از آن نام برد. وی که مسئولیت یک سازمان توسعه اقتصادی را برعهده داشت، از بررسی خود به این

در یکی از فقیرترین مناطق قاره آمریکا، در شهری که در منطقه برونکس جنوبی<sup>(۱)</sup> واقع شده و مشکلات اقتصادی قابل ملاحظه‌ای داشته، توفیق غیرمنتظره‌ای حاصل شده که به داستان شباهت دارد. این توفیق به شرکت تعاونی مراقبتهای بهداشتی خانگی مربوط می‌شود. این شرکت در مدتی کوتاه پس از تأسیس رشد چشمگیری داشت، بطوریکه بسیار مورد توجه قرار گرفته و در سراسر قاره به صورت الگو درآمده است. هم اکنون شرکت مزبور بزرگترین تعاونی خدمات بهداشتی در منطقه برونکس است و ۳۰۰ نفر به عنوان متصدیان مراقبتهای بهداشتی در آن کار می‌کنند که اکثر آنان را زنان و زن و شوهرهای بدون فرزند تشکیل می‌دهند.

بهداشتی نیز در شرایطی نبودند که بتوانند پاسخگوی افزایش روزافزون بیماران و درمان امراض متعدد آنان باشند. با اینحال ترخیص زود هنگام بیماران از بیمارستان و اعزام آنان به منازلشان برای حل مسأله کمبود بودجه و مشکلات مالی، به شکل یک امر اساسی درآمده بود، زیرا در غیر اینصورت بیمارستانها قادر به ارائه حداقل خدمات بهداشتی و درمانی نیز نبودند. در نتیجه روز به روز بر عده چنین کسانی که از بیمارستان مرخص می‌شدند، افزوده می‌شد ضمن اینکه عده کثیری از مردم منطقه مسن بودند و به همین دلیل نیاز شدیدی به مراقبتهای بهداشتی و درمانی و مداوای امراض احساس می‌شد.

سورپین احساس کرد که باید دست به کار شود و البته خیلی سریع از این اقدام نتیجه گرفت، اگرچه برای نیل به موفقیت ناچار شد تعدادی زیادی کار آزمایشی انجام دهد. با اینحال، در نهایت برای حل مشکلات بهداشتی و درمانی و اشتغال عده زیادی بیکار، یک راه منحصر به فرد پیدا شد. در این توفیق، ترکیب عوامل متعددی از جمله آنچه در زیر می‌آید، مورد نظر بوده است:

\* التفات به عده کثیری سالمند و معلول که جایی جز منازل خودشان نداشتند.

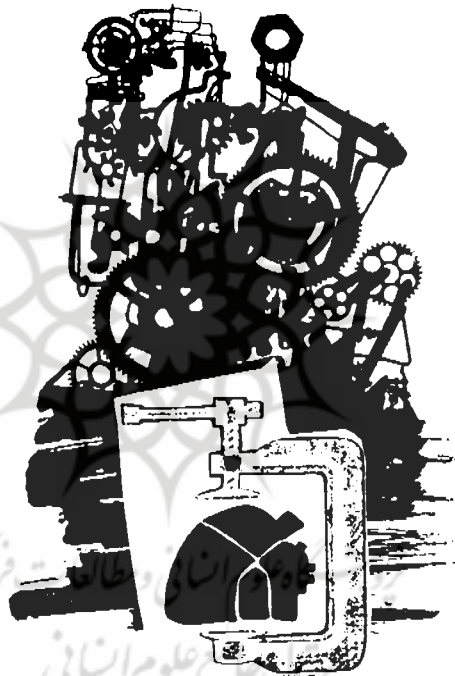
\* ضرورت تأمین خدمات بهداشتی و درمانی در منازل این افراد با هزینه اندک ضمن تعقیب برنامه‌های بهداشتی - درمانی دولت.

\* توجه به این نکته که بهسازی کیفی خدمات یاد شده مستلزم حل مشکل مادی مردم و همچنین ارائه آموزشهای کافی به آنان است.

\* حل مسأله بیکاری عده کثیری از افراد منطقه در نتیجه آموزش آنان برای تصدی مشاغل بهداشتی و درمانی برای این منظور، شرکت یاد شده برنامه‌هایی را اجرا کرد که در این مقاله به آن اشاره می‌شود.

### ساختار توفیق فعالیت کارگری

کلید توفیق شرکت، ساختار آن است که به عنوان یک تعاونی کارگری فعالیت می‌کند. این تعاونی براساس قوانین کار اداره می‌شود، ضمن اینکه "ریک سورپین" در تنظیم این قوانین نقش چشمگیری داشته



در نشریه "ایجاد اتحاد و محل کار" از انتشارات مرکز آموزش وابسته به شرکت تعاونی آمده است: "روش آموزش شرکت تعاونی مراقبتهای بهداشتی بر این نکته استوار است که باید مدرسان در خدمت تعاونی باشند مددکاری اساس آموزش را تشکیل دهد، و به زنان داوطلب کمک کند تا هر چه زودتر از حالت داوطلبی به افرادی که در مسایل رفاهی تخصص دارند، تبدیل شوند.

است. او خیلی زود مدیرعامل شرکت شد و آن را بلافاصله به یک شرکت مستقل و متکی به خود و تحت کنترل اعضای آن تبدیل کرد. شرکت که در سال ۱۹۸۵ به کمک دولت تأسیس شده بود، از ۱۲ منبع مختلف کمک می‌گرفت و در سال نخست، ۲۲۰/۰۰۰ دلار درآمد داشت. سه سال بعد، سودآوری شرکت شروع شد و سرعت این سودآوری به حدی بود که در سال ۱۹۹۴ به ۷ میلیون دلار بالغ شد.

شرکت یاد شده کارکنانش را بسیار دقیق انتخاب می‌کند به طوری که از هر چهار متقاضی، فقط یک نفر به استخدام در می‌آید. هرکس پس از استخدام سه ماه به صورت آزمایشی کار می‌کند، سپس به عضویت تعاونی در می‌آید، و هفته‌ای ۳/۵ دلار حق عضویت می‌پردازد تا این پرداختها به هزار دلار برسد. بدین ترتیب حدود ۸۰ درصد کارکنان شرکت به عضویت آن در می‌آیند و هرکس نیز پس از پرداخت ۵۰ دلار می‌تواند حق رای داشته باشد. هنگامی که یک نفر بخواهد از شرکت برود، کل سرمایه‌اش به او مسترد می‌شود و عضویت او نیز منتفی می‌گردد. اعضای در مالکیت تعاونی سهیم هستند، و هر سال حدود ۳۰۰ دلار (حدود ۲۰ درصد) به هرکس سود می‌رسد، هرچند این اعداد به نسبت هر سال می‌تواند متغیر باشد. مراقبتهای بهداشتی و درمانی، مرخصی استعلاجی، حقوق ایسام تعطیل و برخورداری از آموزشهای پیش از استخدام و آموزش ضمن خدمت برای اعضای رایگان است.

حق الزحمه اعضای شرکت به طور

مستوسط ساعتی ۷/۲۵ دلار است که در منطقه از جمله بالاترین اعداد محسوب می‌شود و یک دلار (۱۶ درصد) از متوسط حق‌الزحمه تعاونیها آمریکا بیشتر است. به این ترتیب، حقوق و مزایای غیرمادی این شرکت بهترین حالت اشتغال در منطقه است ضمن اینکه به نسبت آغاز فعالیت در سال ۱۹۸۵، در هر ساعت ۲/۷۵ دلار افزایش یافته است.

از جمله دلایل پیچیده بودن فعالیتهای بهداشتی و درمانی آن است که برخی از بیماران به مراقبت همیشگی و یا اکثراً به

برای هرکس تضمین می‌کند تا از لحاظ اقتصادی امنیت لازم را داشته باشند و از نظر عاطفی نیز رغبت کار کردن در تعاونی را با روحیه خوب حفظ کنند، زیرا در زمینه تعاون بر حسب سنت پرداختها بسیار پائین بوده است.

به علاوه، هر روز جمعه کلیه کارکنان به دفتر مرکزی شرکت می‌روند، چکهای حقوقی خود را دریافت می‌کنند، و آموزش ضمن خدمت می‌بینند. این جلسات هفتگی فرصتهای خوبی برای در جمع و با جمع بودن فراهم می‌سازد، زیرا کارکنان زیاد

### شیوه مدیریت و آموزشهایی که عرضه می‌شود از عناصر اساسی توفیق این شرکت است.

۶ نفر از ۹ عضو هیات مدیره توسط اعضاء به صورت مستقیم انتخاب می‌شوند ضمن اینکه اعضا می‌توانند به عنوان اعضای کمیته‌های چندگانه در خدمت تعاونی باشند. اعضای هیات مدیره ماهی یک جلسه دارند و مسئولیت اداره کلی شرکت به عهده آنان است. از تمامی اعضاء درخواست می‌شود که در هر چهار گردهمایی سالانه شرکت کرده و رأی بدهند در این گردهماییها سیاستهای حقوق و دستمزد، روشهای انتخابات، سود سهام، کارهای رفاهی، و موضوعاتی که باید در برنامه‌های آموزشی گنجانده شود، تعیین می‌گردد.

مراقبت اندک یا فقط چند ساعت در روز نیاز دارند.

این مراقبتها عبارت است از کمک به بهداشت افراد، تهیه غذا برای آنان، رساندن پیغام و کارهای مشابه، شستشو و انجام کارهای سبک خانگی. نظارت بر کارهای بهداشتی بدان سبب مشکل است که در خانه‌های افراد عرضه می‌شود. یعنی مددکاران از خانه‌ای به خانه دیگر می‌روند و معمولاً کارها را به تنهایی انجام می‌دهند. برای حل مشکلاتی که به این ترتیب بروز می‌کند، شرکت تعاونی به اجرای برنامه‌های رعایت احترام، قدردانی و حمایت از مددکاران مبادرت کرده است. برای مثال، هفته‌ای حداقل ۳۰ ساعت کار

شده در سایر روزها کاملاً تنها هستند، حال آنکه جلسات هفتگی نوعی احساس همبستگی سازمانی و تعلق خاطر متقابل و مالکیت به آنها می‌دهد. به علاوه در کلاسهای ویژه آموزش بزرگسالان مسایل شغلی و خانگی تدریس می‌شود تا هم نکات زیادتری یاد بگیرند و هم امکانات پیشرفت آنان فراهم شود این سرمایه‌گذاری در زمینه آموزش کارکنان از سنتهای نهضت تعاون از زمان راجدیل بوده و از روشهای شایسته افزایش درآمد و ارتقای شغلی اعضاء محسوب می‌شود.

### توفیق همه جانبه

از جمله کارهای خوب شرکت آن است که کلیه کارکنان را به عضویت می‌پذیرد تا

جایی که حدود ۸۵ درصد آنان عضو شرکت هستند و از خدمات آن بهره‌مند می‌شوند. به طور معمول هر عضو جدید بین ۶ تا ۹ ماه پس از شروع به کار به عضویت شرکت در می‌آید و از مزایای آن بهره‌مند می‌شود. با اینحال، حتی با دریافت ساعتی ۷/۲۵ دلار و ۲۲ تا ۲۴ ساعت کار در هفته نیز مشکلات مالی و معیشتی حل نمی‌شود. به همین دلیل، از سهمیه‌های غذایی دولتی برای بزرگسالان و کودکان نیز مقادیری به اعضای تعاونی تعلق می‌گیرد. به علاوه به طوری که اشاره شد،

این دستمزدها از حد متوسط منطقه بالاتر است و از اینرو برای کارکنان جاذبه دارد. در اینجا بد نیست به آنچه برای فلوریدا دولتون<sup>(۵)</sup> اتفاق افتاد، اشاره کنیم. او بیکار بود و داوطلبانه در برونکس کارهایی را انجام می‌داد. وی زنی مطلقه و دارای سه فرزند بود که از دومینیکن<sup>(۶)</sup> به آنجا مهاجرت کرده بود. یک نفر متوجه شد که فلوریدا به افراد کهنسال کمک می‌کند تا لباس بپوشند و به کلیسا بروند. وی به فلوریدا پیشنهاد کرد که برای پیدا کردن کار به شرکت تعاونی مراقبتهای بهداشتی مراجعه کند. طولی نکشید که وی به عنوان مددکار به خدمت تعاونی درآمد. هم اکنون خانم فلوریدا کمک مربی و عضو انتخابی

وی در خصوص عضویتش در هیأت مدیره به یک خبرنگار از روزنامه دیلی نیوز نیویورک (۷) گفته بود که اعضای هیأت مدیره توانسته‌اند با تدوین سیاست و تنظیم مقررات حقوق و دستمزد "بهترین گامها را در جهت منافع اعضای تعاونی بردارند."

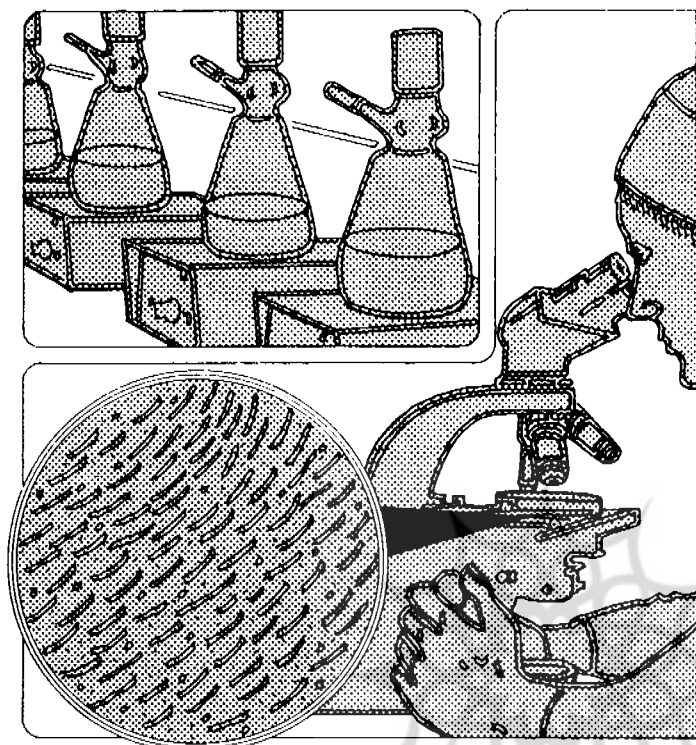
مثال خانم فلوریدا سیر از مددکاری به پیشرفت حرفه‌ای و قبول مسئولیت را در شرکت تعاونی مراقبت‌های بهداشتی نشان می‌دهد، ولی در واقع، این تعاونی در خدمت همگان است. بزرگترین مرکز ارائه خدماتی بهداشتی در منازل در کل قاره آمریکاست و اعضای آن بر این باورند که مشارکت و حق رأی کارگران در تعاونی هم انگیزش پولی ایجاد می‌کند و هم احساس می‌کنند که در بهبود اوضاع مشارکت دارند. در واقع، لازم است کاری که انسان انجام می‌دهد برایش جالب باشد و سازمان محل کار انسان نیز به بهره‌وری برسد؛ این کار در شرکت تعاونی یاد شده تحقق پذیرفته به نحوی که به طور متوسط سالی ۴۰ نفر به استخدام آن درمی آیند.

### عناصر تشکیل دهنده فرمول توفیق

شیوه مدیریت و آموزشهایی که عرضه می‌شود از عناصر اساسی توفیق این شرکت است.

۶ نفر از ۹ عضو هیأت مدیره توسط اعضا به صورت مستقیم انتخاب می‌شوند ضمن اینکه اعضا می‌توانند به عنوان اعضای کمیته‌های چندگانه در خدمت تعاونی باشند. اعضای هیأت مدیره ماهی یک جلسه دارند و مسئولیت اداره کلی

این تعاونی در خدمت همگان است و بزرگترین مرکز ارائه خدماتی بهداشتی در منازل در کل قاره آمریکا است و اعضای آن بر این باورند که مشارکت و حق رأی کارگران در تعاونی هم انگیزش پولی ایجاد می‌کند و هم احساس می‌کنند که در بهبود اوضاع مشارکت دارند. در واقع، لازم است کاری که انسان انجام می‌دهد برایش جالب باشد و سازمان محل کار انسان نیز به بهره‌وری برسد؛ این کار در شرکت تعاونی یاد شده تحقق پذیرفته به نحوی که به طور متوسط سالی ۴۰ نفر به استخدام آن در می آیند.



حدود ۸۰ درصد گروه اخیر پس از شش ماه کار، در شرکت باقی می‌مانند. هزینه آموزش کارکنان جدید از بودجه دولتی و درآمدهای شرکت تامین می‌شود. برنامه آموزشی جنبه خودآموزی و حل مسأله (مشکل‌گشایی) و کارگروهی تعاونی اساس آن را تشکیل می‌دهد. اکثر این آموزشها به دو زبان عرضه می‌شود، زیرا در منطقه عده زیادی اسپانیایی زبان وجود دارند که از خدمات تعاونی بهره‌مند می‌شوند. در آغاز این آموزشها توسط یک سازمان محلی انجام می‌شد که تقریباً ناموفق بود. اما با اجاره کردن یک ساختمان و عرضه آموزشها توسط

شرکت به عهده آنان است. از تمامی اعضا درخواست می‌شود که در هر چهار گردهمایی سالانه شرکت کرده و رای بدهند در این گردهماییها سیاستهای حقوق و دستمزد، روشهای انتخابات، سود سهام، کارهای رفاهی، و موضوعاتی که باید در برنامه‌های آموزشی گنجانده شود، تعیین می‌گردد.

انتخاب متقاضیان براساس بلوغ فکری، صبر و حوصله، سختکوشی و قابلیت اعتماد آنان صورت می‌گیرد. حدود ۸۰ درصد کسانی که به این ترتیب انتخاب می‌شوند پس از سه ماه کار آزمایشی به خدمت تعاونی در می‌آیند، ضمن آنکه

اعضای تعاونی، بر کیفیت آن افزوده شده است.

به علاوه، مرکز آموزش شرکت تعاونی مراقبت‌های بهداشتی بوجود آمده که در آن ۱۵ نفر به صورت تمام وقت و نیمه وقت فعالیت دارند. آموزش اصلی طی چهار هفته برای کارکنان جدید در زمینه مددکاری عرضه می‌شود، هرچند تا چهار ماه بعد نیز آموزش ضمن خدمت در زمینه‌های وابسته به مراقبت‌های بهداشتی خانگی و مسایل مشورتی و حمایتی ادامه دارد.

میزان تحصیلات اکثر اعضای تعاونی و داوطلبان استخدام اندک است، زیرا اغلب آنان حدود هشت سال تحصیل کرده‌اند. به همین دلیل، انتخاب موضوع و ارائه آن به عنوان آموزش توسط تعاونی مشکل است. اگر این افراد در حدود ۱۳ سالگی مدرسه را رها کرده‌اند و درس خواندن را دوست نداشته‌اند، چرا باید حالا درس بخوانند؟ ناچار، تعاونی باید برای حل این مشکل روش خاصی را در پیش بگیرد که تدریس توسط خود افراد یک بخش آن است. چون مدرسان شخصاً مددکار هستند، به درستی شرایط واقعی زندگی یا آنچه را رویاروی مددکاران تعاونی قرار خواهد داشت، می‌شناسند. با ترغیب کارکنان به شرکت در جلسات، آموزش و یادگیری فعالتر می‌شود. طبق قانون لازم است پرستاران بر این آموزشها نظارت داشته باشند. به همین دلیل، عده‌ای از آنان مستقیماً با تعاونی همکاری می‌کنند. به این ترتیب، چون مدرسان و ناظران در استخدام تعاونی هستند، تعاونی بهتر می‌تواند با کارآموزان و کارورزان ارتباط برقرار کند و در نیل به اهداف خود در زمینه آموزش

بزرگسالان موفق باشد.

در نشریه "ایجاد اتحاد و محل کار" از انتشارات مرکز آموزش وابسته به شرکت تعاونی آمده است: روش آموزش شرکت تعاونی مراقبت‌های بهداشتی بر این نکته استوار است که باید مدرسان در خدمت تعاونی باشند مددکاری اساس آموزش را تشکیل دهد، و به زنان داوطلب کمک کند تا هر چه زودتر از حالت داوطلبی به افرادی که در مسایل رفاهی تخصص دارند، تبدیل شوند. اعدادی که شرکت تعاونی منتشر کرده، از این قضیه به زبان آمار سخن می‌گوید. از ۲۴۹ زن که بین ماههای ژوئیه ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۴ به برنامه‌های آموزشی شرکت هدایت شده‌اند:

\* بیش از ۸۰ درصد (۲۰۱ نفر) طی گذشت ۵ هفته پس از شروع آموزش استخدام شدند.  
\* از این ۲۰۱ نفر، ۱۵۴ نفر (۷۷ درصد) تا ۹۰ روز بعد در استخدام شرکت بودند و ۱۴۲ نفر (۷۱ درصد) هنوز هم در آن کار می‌کنند.  
آموزش عنصر اساسی عملکرد خوب شرکت است و باید چنین باشد. شرکت در کنترت‌های مربوط به امور بیمارستانی مشارکت می‌کند، با مؤسسات رسمی مراقبت‌های بهداشتی خانگی رقابت می‌کند، و همگام با شرکتهای دیگر تلاش دارد تا خدمات بهداشتی - درمانی را به قیمت ارزان عرضه نماید. قابلیت اعتماد اعضای این تعاونی، و صلاحیت و صبر و حوصله آنان در کل منطقه به صورت الگو درآمده است. مدیران بیمارستانها و مسئولان امور دولتی میزان اعتماد پذیری این تعاونی را باور دارند، زیرا این شرکت اثبات کرده که پرداخت بیشتر و فراهم کردن شرایط مطلوبتر باعث می‌شود که کارگران خدمات

بهتری ارائه دهند.

با اینحال، تعاونی یاد شده انحصاراً بر پشتوانه‌ای به نام شهرت تکیه نمی‌کند، بلکه کلیه مددکاران آن سالی چهار بار برای شرکت در آموزشهای ضمن خدمت دور هم جمع می‌شوند. این جلسات هنوز هم ادامه دارد و در آن اطلاعات روز عرضه می‌شود و مرتباً از روشها و فنون جدید استفاده می‌کنند. آنها به گروههای ۲۰ نفری تقسیم می‌شوند و رهبران انتخابی هر گروه ماهی یک بار با ریک سورپین ملاقات کرده، درباره مسایل موردنظر گفتگو می‌کنند. این روش مشارکتی موجب می‌گردد که کلیه اعضای تعاونی احساس کنند که نمایندگان یکدیگر هستند و می‌توانند در هر فرصتی سخنان خود را به گوش مقامات برسانند.

همچنین، مبین این نکته است که طرفین قرارداد و بیماران مطلوبترین خدمات را دریافت می‌کنند.

### حمایت و ترغیب از خارج

به دلیل توفیق شرکت تعاونی مراقبت‌های بهداشتی در رفع نیازهای بهداشتی - درمانی مردم کهنسال منطقه و افراد ناتوان، و ایجاد اشتغال برای افراد کم درآمد، عده زیادی از این اقدامات حمایت می‌کنند. مسئولان بنیاد فورد<sup>(۸)</sup> و بنیاد چالز استیوارت مات<sup>(۹)</sup> مرتباً در چهار منطقه دیگر از این تعاونی الگو برداری می‌کنند. اتحادیه تعاونی صنایع بوستون، که سابقه‌ای بیست ساله در سازماندهی تعاونیهای کارگری دارد و در تدوین قوانین ایالت ماساچوست برای تعاونیهای کارگری نقش مؤثری ایفا کرده است، با مسئولان تعاونی مراقبت‌های بهداشتی همکاری نزدیک دارد تا بتواند نسبت به



**در حقیقت تعاونی مراقبت‌های بهداشتی برونکس یک راه حل مردمی برای رفع مشکلات است که هم از بُعد اقتصادی و هم سیاست‌های مثبت اجتماعی می‌توان آن را سودمند دانست. در دنیایی که به نظر می‌رسد تعداد زیادی از میانی اجتماعی مرتباً فرو می‌ریزد، می‌توان گفت که شرکتهایی نظیر تعاونی مراقبت‌های بهداشتی برای ارتقای سطح زندگی و ذهنیت مردم بسیار سودمند است.**

۱۹۹۲-۹۳ معادل ۳۵۰/۰۰۰ دلار درآمد داشت، حال آنکه این تاریخ، نخستین سال تاسیس آن بوده است و عدد یاد شده نیز در سال ۹۴-۱۹۹۳ به ۶۰۰/۰۰۰ دلار رسیده است. تعاونی اخیر در سال تاسیس ۳۰ عضو داشت که همه کارگر بودند. نمونه دیگری که در چپل هیل<sup>(۱۲)</sup> ایجاد شده، تعاونی منحصر به فرد پرستاری نام دارد که قصد دارد مراقبت‌های بهداشتی را انحصاراً توسط پرستاران به منازل عرضه نماید.

نه فقط در آمریکا، بلکه در ژاپن نیز اقدامات تعاونی مراقبت‌های بهداشتی به شهرت رسیده است، پنج سال قبل به راهنمایی نویسنده مقاله یک گروه از مدیران تعاونیهای مصرف ژاپن از منطقه کاناگاوا<sup>(۱۳)</sup> از تعاونی مراقبت‌های بهداشتی برونکس دیدار کردند تا از کارهای آن برای کمک به کهنسالان منطقه خود الگو بردارند.

آنها بلافاصله پس از بازگشت به ژاپن مشابه تعاونی مراقبت‌های بهداشتی برونکس را در کاناگاوا ایجاد کردند تا به کهنسالان منطقه کمک نمایند؛ این قضیه هم اکنون در سراسر ژاپن مورد توجه قرار گرفته است.

اگر بار دیگر به آمریکا برگردیم، شایان یادآوری است که تعداد بسیار زیادی تعاونی مشابه تعاونی یاد شده در این سرزمین ایجاد شده یا در دست ایجاد است. صندوق بیمارستانی نیویورک گزارش داده که در سال ۱۹۹۲ هفت میلیون آمریکایی از انواع مراقبت‌های بهداشتی در منازل خود بهره‌مند شده‌اند. برنامه‌های مدی کر<sup>(۱۴)</sup> و مدیک ایر<sup>(۱۵)</sup> (کمک‌های

بزرگترین تعاونی نوع خود در فیلادلفیا می‌باشد که کیفیت کار آن بسیار بالاست.

این تعاونی ۶ ماه قبل از زمان پیش بینی شده به سودآوری رسید و در سال ۱۹۹۴ خدمات رفاهی به کارکنانش را آغاز کرد. یک تعاونی دیگر نیز با ۳۵ مددکار در سال ۱۹۹۴ (مارس)، و یک تعاونی مشابه در میدوست<sup>(۱۰)</sup> در سال ۱۹۹۶ شبیه تعاونی مراقبت‌های بهداشتی مورد بحث این مقاله ایجاد شده و هر دو موفق بوده‌اند.

نمونه دیگری، تعاونی مراقبت‌های بهداشتی واتربری<sup>(۱۱)</sup> است که در سال

افزایش اعتبار تعاونیهای مراقبت‌های بهداشتی اقدام کند؛ باریک سورپین همواره از فعالیتهای این اتحادیه به نیکی یاد کرده است.

از جمله تعاونیهایی که براساس فعالیتهای تعاونی یاد شده ایجاد شده تعاونی مراقبت‌های بهداشتی در فیلادلفیا است که در فوریه ۱۹۹۳ با ۱۲ کارمند شروع به کار کرد. درآمد سال اول تعاونی یاد شده ۲۰۰/۰۰۰ دلار و برای سال ۱۹۹۴ برابر یک میلیون دلار پیش بینی می‌شد. هم اکنون این تعاونی ۷۰ کارمند دارد و



# نهضت تعاون در آلمان



## تعاونی‌های مسکن در آلمان

نقشی در خور توجه بودیم، به نحوی که با تجدید اتحاد و یکپارچگی این قبیل تعاونیها، تمرکز واقعی فعالیت‌های ما گواه روشنی بر این حقیقت باشد که اصولاً ایده تعاونی و تفسیر امروزی جوامع گوناگون از آن، تهدیدی برای فردگرایی و عدم همبستگی اجتماعی خواهد بود.

این پیام روشن توسط توده وسیعی از مردم دریافت و درک خواهد شد.

۲- اقدامات انجام شده بلحاظ کمی:

پس از اتحاد مجدد دو آلمان تعاونیهای مسکن، هم اکنون بیش از ۲۰۰۰ تعاونی مسکن در آلمان فعال هستند که مجموع اعضا آنها بالغ بر سه میلیون عضو و دارای ۲/۲ میلیون واحد مسکونی میباشند. میزان دارائیهای این تعاونیها، تقریباً رقمی معادل سیصد میلیون DM (مارک آلمان) تخمین زده می‌شود.

دوسوم مجموع این تعاونیها، تنها/۱۰۰۰ (یکهزار) یا کمتر، واحد مسکونی در اختیار دارند. تنها حدود یکصد تعاونی و یا رقمی بیشتر، تعداد /۵۰۰۰ واحد مسکونی (یا کمی بیشتر) را دارا میباشند. تمامی این تعاونیها، در واقع شرکتهای سطح متوسطی هستند که صرفاً در جهت حفظ منافع مالکان و یا مستأجرین خویش کام بر میدارند.

از زمان پایان جنگ جهانی دوم تا سال ۱۹۹۴، تعاونیهای مسکن در جمهوری فدرال آلمان سابق، رقمی معادل ۱/۴ میلیون واحد مسکونی ساخته بودند. این اقدام تعاونیها حدود -/۵۲۰/۰۰۰ واحد مسکونی شخصی و واحدهای مسکونی مشاع را در بر می‌گیرد. این بدان معناست که اساساً بیش از یک سوم فعالیت‌های تعاونی در بخش مسکن، صرف ساخت و ساز واحدهای مسکونی با هدف ایجاد مالکیت برای اعضا اینگونه تعاونیها، شده‌اند.

در جمهوری دموکراتیک آلمان،

شرکتهای تعاونی، شکل خاصی از بنگاههای تجاری هستند، که در اصول با تمام شرکتهای و مؤسسات سرمایه‌داری دیگر، متفاوت میباشند. تفاوت اصلی تعاونیها با دیگر انواع شرکتهای تجاری، عدم حمایت آنها از سوی سرمایه‌داران به نام و نشان میباشد. در حالیکه حامیان واقعی تعاونی، اشخاص حقیقی یعنی اعضا، آنها هستند و برای نگه داشتن این قبیل اعضا، در مرکز فعالیت‌های این نهاد قانونی خاص، دلایل خوب و روشنی وجود دارد.

سازمان ملل، اعلام گردیده است. تعاونیهای آلمان هم بلحاظ قدمت و هم از دیدگاه عملکرد، در سازمان جهانی تعاون دارای صدائی رسا و قوی هستند - در این همایش تاریخی که در لوبک "Lubek" برگزار شد، ما علاوه بر داشتن فرصت خوشامدگویی به کمیته اجرائی اروپائی «لیاسون Liaison» تحت عنوان کمیته اسکان اجتماعی از سایر میهمانان دیگر نقاط جهان هم پذیرائی به عمل آوردیم.

بگذارید ببینیم اقدامات فعلی ما کدامند و ما هم اکنون در پی چه هدفی هستیم و اصولاً ما که هستیم و کدام اهداف را در آینده‌ای دور و نزدیک جستجو میکنیم؟ ما در خلال همایش «لوبک Lubek» در پی تقویت تعاونیهای مسکن آلمان و ایفای

یک رویداد تاریخی: کردهمایی تعاونیهای مسکن در روزهای دوم و سوم ماه مه ۱۹۹۵، در واقع یک کردهمایی تاریخی بود. چراکه این کردهمایی، از بیش از ۶۰ سال پیش تاکنون در نوع خود اولین همایش سراسری تعاونیهای مسکن در آلمان بشمار می‌رفت.

در این سال، اتحادیه بین المللی تعاون (ICA)، یعنی سازمانی که نماینده بیش از ۸۰۰ میلیون عضو تعاونی در سراسر عالم محسوب میگردد، یکصدمین سال تاسیس خود را جشن گرفت. در سطح جهانی نیز، بطور سنتی اولین شبیه در ماه جولای، از سوی تعاونیها بعنوان روز تعاون جشن گرفته می‌شود. بهمین دلیل است که این روز توسط سازمان ملل بعنوان «روز تعاون و

پیشین تا سال ۱۹۹۰، یک میلیون واحد مسکونی تعاونی ساخته شده بود که اغلب، تعهدات شخصی اعضاء این تعاونیها، نقش اصلی در انجام این فعالیتهای سازنده را، ایفا نموده است.

در حال حاضر، تعاونیهای مسکن در جمهوری فدرال آلمان سابق حدود ۲/۵ میلیون مارک آلمان را سالانه صرف احداث واحدهای مسکونی جدید و رقمی حدود یک میلیون مارک آلمان را صرف تعمیرات و تجدید بنای واحدهای مسکونی ساخته قدیمی مینمایند. تنها در سال ۱۹۹۴، رقمی معادل هفت میلیون مارک آلمان در جمهوری دموکراتیک آلمان پیشین، سرمایه‌گذاری گردید که مجموعاً رقمی معادل ده میلیون مارک را جهت سرمایه‌گذاری در این بخش صرف شده است.

### \* ۳- شالوده‌های مستحکم

قدیمی‌ترین شرکت تولید مسکن که بر اساس اصول تعاونی پی ریزی گردیده است مانچین ون ۱۸۷۱، Baugenossenschaft

eG Munchen Von 1871 نام دارد که سال آینده، یکصد و بیست و پنجمین سالگرد تاسیس خود را جشن خواهد گرفت. "Spar - Und Bauverein eG" (تعاونی پس‌انداز و مسکن) در هانور، کار خود را با این شعار که "ابتدا پس انداز، سپس شروع به ساخت، در انتها تملک آپارتمان" شروع نمود. هم‌اکنون از پس‌اندازهای حدود ۲۰۰۰۰ عضو بهره می‌برد. صندوق پس‌انداز این شرکت با داشتن رقمی معادل یکصد و پنجاه میلیون مارک آلمان (DM)، یکی از بزرگترین و قدیمی‌ترین صندوقها از نوع خود در آلمان است. که در سال ۱۸۸۵ تاسیس شده است.

ایده ساخت و ساز مسکن بطریق تعاونی بر مبنای شالوده‌های محکمی است که حتی امروز هم، بهمان استحکام و ثباتی است که بیش از یکصد سال قبل بودند.

شرکتهای تعاونی در واقع شکل خاصی از مالکیت هستند. این شرکتها که در حقیقت حاصل مبارزات سیاسی اجتماعی، قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میباشند، سهم

بسیار عمده‌ای در برقراری دموکراسی در آلمان ایفا کرده‌اند. آنها در شرایط ویژه‌ای که بسیاری از اقتشار جامعه آلمان بدنبال کسب حق رای بودند پیشاپیش توانستند حق اعمال رای حتی برای بانوان به ارمغان آورند.

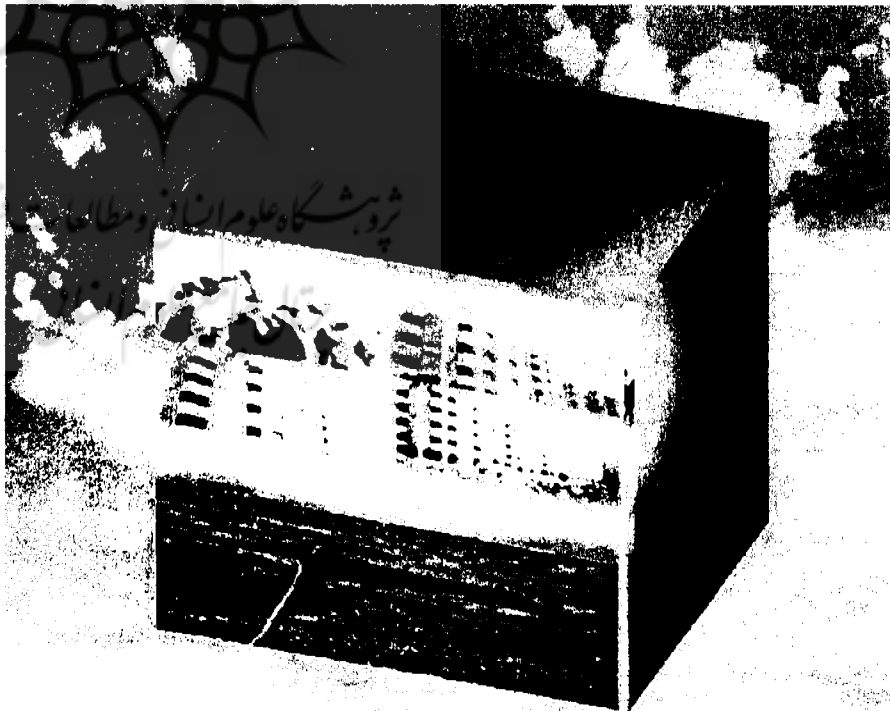
اگر اصولی همچون خودیاری و خودگردانی و مسئولیت‌پذیری بعنوان عناصری بسیار مهم در دموکراسی اقتصادی تلقی شوند، فلسفه روشن تعاونی با حمایت قاطع از این اصول، دسترسی همه افراد بآنها را بطور یکسان تامین میکند.

تعاونیهای مسکن و ارزشهای اصولی آنها، پاسخی، نوین و فوری به نیازهای اجتماعی ما محسوب میشوند. منافع شخصی، ناقض اصل همبستگی نیست. همسایگی در حقیقت کمکی مؤثر است به محضل تنهایی، لذا همبستگی و اهداف مشترک، تا حدود زیادی، ایده و انگیزه رقابت مخرب را تا حد مطلوب، کاهش میدهد.

### \* ۴- دموکراتیهای اقتصادی

مسکن نیاز اساسی بشر است. شرکتهای تعاونی نیازهای اقتصادی اعضاء خود را تأمین مینمایند و این همان چیزی است که قانون آن را تکلیف می‌کند. تعاونیهای مسکن نوع خاصی از مالکیت، که در واقع مالکیت مشترک خصوصی محسوب میشود را بوجود می‌آورند. تعاونیهای مسکن بخشی از سیستم اقتصاد بازاری جامعه ما میباشند.

بنابراین، تعاونیها باتوجه به دخالتهای دولتی، بدنبال تسخیر بیشتر منابع بازار و افزایش اختیارات خویش از یک سو و کاهش مداخله خارجی (نهادهای خارج از تشکیلات تعاونی)، از سوی دیگر می‌باشند. لذا در این مقوله، تعاونیها در پی کسب همان حقوقی هستند که سایر بنگاههای اقتصادی برای نیل بدانها تلاش مینمایند. تعاونیها، بعنوان مؤسسات اقتصادی آزاد



## از زمان پایان جنگ جهانی دوم تا سال ۱۹۹۴، تعاونیهای مسکن در "جمهوری فدرال آلمان" سابق، رقمی معادل ۱/۴ میلیون واحد مسکونی ساخته بودند. این اقدام تعاونیها حدود ۵۲۰/۰۰۰/ واحد مسکونی شخصی و واحدهای مسکونی مشاع را در بر میگیرد. این بدان معناست که اساساً بیش از یک سوم فعالیتهای تعاونی در بخش مسکن، صرف ساخت و ساز واحدهای مسکونی با هدف ایجاد مالکیت برای اعضا، اینگونه تعاونیها، شدهاند.

و خودمختار، نیازی به قوانین دست و پاگیر و تصویب نامه‌هایی که صرفاً موانعی در راه پیشرفت آنها تلقی میشوند، ندارند.

این نظریه، بطور اخص، در مورد محاسبه اجاره بها که توسط کمیسیونهای انتخابی خود تعاونیها بمراتب بهتر انجام می‌شود، صدق می‌نماید. در اینجا، تعاونیها بیشتر فعالیت میکنند، چرا که آنها همزمان نگاهی هم به پشت سر خود و مقاطع تصمیم‌گیریهای دموکراتیک که در خلال چندین دهه موجب گسترش همه جانبه آنها بوده‌اند، دارند. تعاونیهای مسکن، شواهد زنده‌ای از عملکرد دموکراسی اقتصادی هستند.

### ۵- دارائی اعضا مایملک آنها باقی می‌ماند:

مؤسسين تعاونیهای مسکن اشخاصی حقیقی هستند که بدون از دست دادن حق مالکیت خویش در تعاونی، مولد ثروتهای مشترک می‌باشند. دارائیهای متعلق به تعاونی، بهیچ وجه نمی‌بایست بعنوان دارائیهای دست دوم تلقی شوند.

شرکتهای تعاونی مسکن، مالکیت را با همان مفهومی که در قانون برای اعضا مشخص شده است، تضمین مینمایند. عضویت در یک شرکت تعاونی، بخوبی با مالکیت شخصی و فردی که یک واحد مسکونی را شخصاً اشغال (تصاحب) میکند، برابری مینماید. بنابراین در مورد اعمال یک سیستم مالیاتی مشابه برای عضویت در یک تعاونی و مالکیت واحدهای مسکونی اشغال شده توسط مالکین خود، نمی‌بایست هیچگونه اعتراضی وجود داشته

باشد. برعکس، همچنانکه عضویت در یک تعاونی، طبق مفاد اساسنامه، بنوعی دارائی عضو محسوب میشود، ضرورتاً برخوردی برابر با دارائی فردی (شخصی) را طلب میکند، چرا که در عمل اصولاً تفاوتی بین این دو نوع دارائی دیده نمیشود. از آنجا که عضو یک شرکت تعاونی با اختصاص و سرمایه‌گذاری ذخائر مالی و سرمایه خصوصی خود در تعاونی، به ساخت یک واحد مسکونی کمکی مؤثر مینماید، لذا میتواند ادعای دریافت معافیتهای مالیاتی اختصاص یافته به واحدهای مسکونی تحت تصرف و اشغال مالکین خود، را بطور مشابه مطرح کند.

تعاونیهای مسکن آلمانی که عضو Gdw (پیمان اقتصادی آلمان) هستند، نسبت به افزایش مالیاتی سهام سرمایه‌اعضا خویش معترض می‌باشند. بر اساس چنین تکامل تدریجی است که ما شاهد درخواستهای بعدی برای بسط و توسعه و ترویج و تأسیس تعاونیهای جدید، بویژه آن دسته از تعاونیهایی که باتوجه به مقررات انتقال و تبدیل وضعیت به مالکیت خصوصی مصرح در قانون فدرال ناظر به دیون قدیمی (زمان مشمول) مورد نیاز عامه مردم هستند.

### ۶- دارائی و اصول تعاون:

شرکتهای تعاونی، شکل خاصی از بنگاههای تجاری هستند، که در اصول با تمام شرکتها و مؤسسات سرمایه‌داری دیگر، متفاوت می‌باشند.

تفاوت اصلی تعاونیها با دیگر انواع شرکتهای تجاری، عدم حمایت آنها از سوی سرمایه‌داران به نام و نشان می‌باشد،

در حالیکه حامیان واقعی تعاونی، اشخاص حقیقی یعنی اعضا آنها هستند و برای نگه داشتن این قبیل اعضا در مرکز فعالیتهای این نهاد قانونی خاص، دلایل خوب و روشنی وجود دارند.

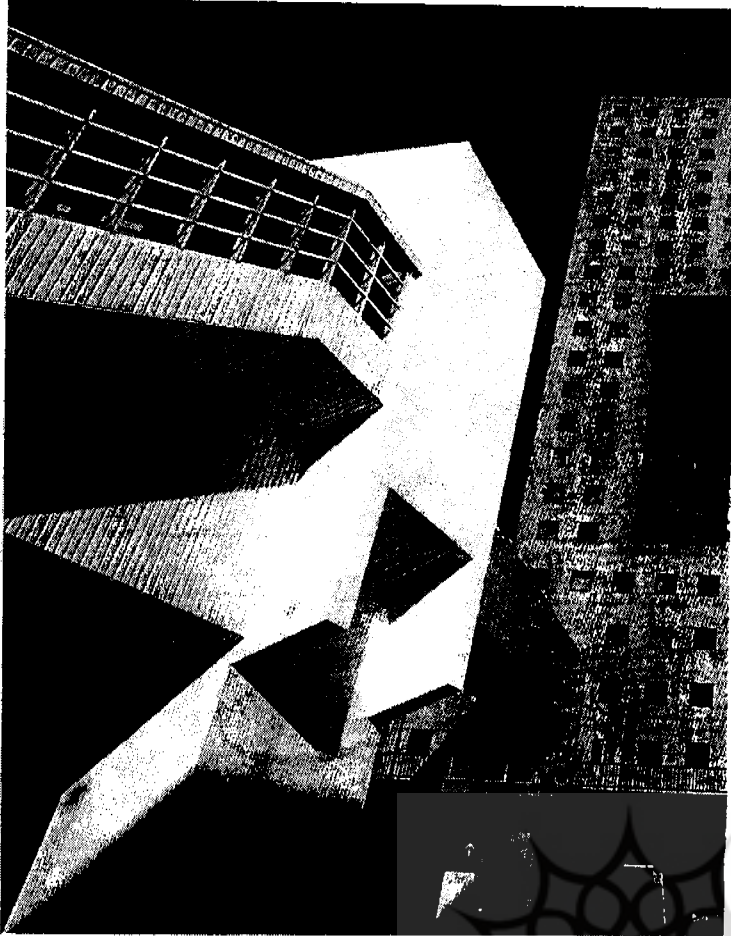
قانون تعاونیهای آلمان، نه تنها حضور قدرتمندانه و دموکراتیک هر یک از اعضا تعاونی در تعاونیهای مسکن بویژه، حق استفاده دائمی از این حضور فراگیر را، تأمین و محافظت مینماید، بلکه دارائیها و از جمله ذخائر و موجودی تعاونی را ماورای نسل فعلی اعضا و استفاده‌کنندگان کنونی از این امکانات و مزایا را بخوبی نگهداری میکند.

محدودیت حقوق فردی (شخصی) عضو، جهت استفاده از دارائی‌اش، منافع حاصل از عملکرد تعاونی را برای بیش از یک نسل؛ که یک اصل ثابت شده است؛ تضمین میکند. بخصوص در مورد تعاونیهای مسکن، منافع اقتصادی درازمدت ناشی از استحکام مصالح خوب، بگونه‌ای غیرقابل اجتناب، موقعیت مالکین واحدهای مسکونی را تقویت کرده و اثرات سوء بر اصول پذیرفته شده تعاونی را کاهش خواهد داد.

هرگونه قانون و مقررات مربوط به بسط و توسعه مالکیت و بسیج سرمایه‌های شخصی اعضا تعاونی می‌بایست صرفاً بر اساس قانون تعاون که هم اکنون نافذ و جاری می‌باشد، انجام گیرد.

### ۷- اهداف ما

در طول دهه‌های گذشته، تغییرات مهم جهانی عمیقاً اصول تعاون را تحت تأثیر قرار داده است، ما ناگزیر هستیم، اصول



خویش را براساس نیل به یک جامعه مدرن، با تحولی جاودانه، اصلاح کنیم ولی ما همچنان میبایست وظیفه اصلی و عمده خویش که همانا، تأمین واحدهای مسکونی خوب، ایمن و از لحاظ اجتماعی معتبر، برای اعضاء تعاونیهای خود، میباشد را در کانون توجه خویش قرار دهیم.

شرکتهای تعاونی، واحدهای مسکونی را برای اعضاء خویش طراحی کرده و میسازند؛ آنها با ارائه آموزشهای مسائل و رفتار اجتماعی در جهت اتحاد و همبستگی اعضاء گام بر میدارند و مراقبت از فرد را نیز در دستور کار خود قرار میدهند. آنها همچنین در جهت ارائه خدمات به اشخاص غیرعضو، استاتها، شهرداریهای محلی و شهرها با یکدیگر همکاری میکنند. آنچه را که این تعاونیها میخواهند.

#### ۸- ادعاهای سیاسی:

طبق ماده ۱۴ قانون اساسی آلمان، تعاونیهای مسکن را می توان از جهت معافیتهای مالیاتی در محدوده منازل شخصی قرار داد.

از طرف دیگر، دارائیهای مشترک تعاونی، تحت هیچ شرایطی نمی بایست در اختیار هیچیک از افراد عضو شرکت قرار گیرد. اصولاً حق در اختیار داشتن دارائیهای شرکت بصورت انفرادی، علاوه بر متضاد بودن با قانون مصوب، بلحاظ عقلانی هم مغایر با توسعه موفقیت آمیز تعاونیهاست.

اختلافات بین مالکیت تعاونی و مالکیت فردی تا آنجا که تصمیمات روشنی جهت انتخاب یکی از آنها اتخاذ نشده باشد، همچنان پابرجا خواهند بود.

هر دو شکل مالکیت حقوق خاص خود را دارند و می بایست بگونه ای مستقل به افزایش و ارتقاء آنها همت گماشت.

جامعه آزاد و دموکراتیک ما به دارائی نیاز دارد و همیشه نیاز خواهد داشت همانطور که به دارائی تعاونی نیازمند

### **تعاونیهای مسکن و ارزشهای اصولی آنها، پاسخی نوین و فوری به نیازهای اجتماعی ما محسوب میشوند. منافع شخصی، ناقض اصل همبستگی نیست. همسایگی در حقیقت کمکی مؤثر است به معضل تنهایی، لذا همبستگی و اهداف مشترک، تا حدود زیادی، ایده و انگیزه رقابت مخرب را تا حد مطلوب، کاهش میدهد.**

و بطور کامل مورد بهره برداری قرار دهند و با این ترتیب انتقال اجباری به وضعیت مالکیت خصوصی مصرح در این قانون یا هدف اشاعه مالکیت خصوصی مسکن، تعاونیها را ناگزیر به فروش ملزومات و دارائیهای خود به شخص ثالث نخواهد کرد. تعاونیهای دارای کمتر از ۱۰۰۰ هزار واحد مسکونی میبایست از تبدیل اجباری وضعیت به مالکیت خصوصی معاف باشند، چرا که سطحی کمتر از چنین محدودیتی، حیات اقتصادی یک تعاونی را با مخاطره روبرو میسازد.

است. حتی اگر مایملک و دارائی تعاونی به تنهایی حفاظت و توسعه یابد، میتواند از یک نسل به نسل بعدی منتقل شود که این حرکت در جهت حفظ منافع اعضاء و استفاده کنندگان از خدمات تعاونی خواهد بود.

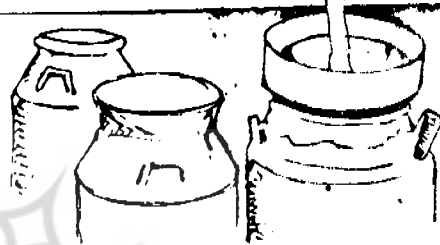
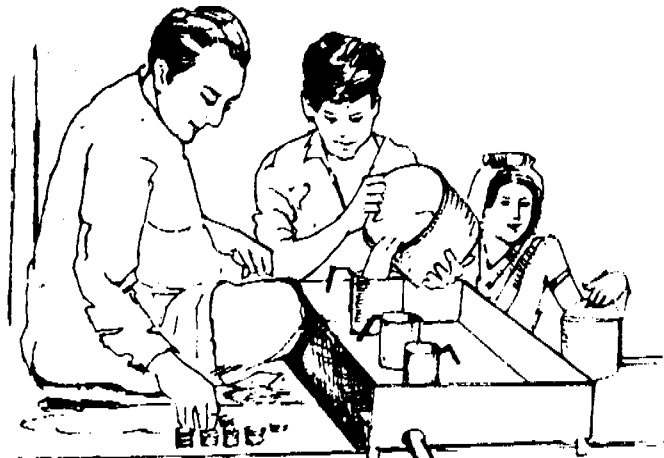
تعاونیهای مسکن در ایالاتهای تازه توقع دارند که نه تنها حکومت فدرال بلکه دولتهای محلی (منطقه ای) و دستگاههای قانونگذار، قانون فدرال ناظر بر دیون قدیمی را بسهمان نحو که در آلمان دموکراتیک سابق بکار گرفته میشد، عمیقاً

شکی نیست که کشور، تحت این چتر نظارتی دقیق، در ابعاد و مراحل مختلف اقتصادی، پیشرفتهای شایانی کرده است اما باید پذیرفت که ضربات و فشارهای مراحل اولیه شروع این فعالیتهای برنامه ریزی شده، بخصوص در آغاز این کامیابی بدست آمده در کشور، بسیاری از پیشگامان و دست اندرکاران این توفیق اقتصادی را سخت رنج می داد.

نتیجه کاملاً مشخصی که می توان گرفت، این است که کشورهای کم جمعیتی نظیر سنگاپور، تایلند، مالزی، کره جنوبی، تایوان و اندونزی؛ اگر چه دیر در مسیر توسعه قرار گرفتند، اما همگی در نیل به شکوفائی اقتصادی، گامهائی اساسی به جلو برداشتند.

ما جهت رسیدن به رشد و توسعه شتاب آلود، نیاز وافر به تزریق هر چه بیشتر تکنولوژی انتقال از یک سو و افزایش سرمایه مورد نیاز اقتصاد بمنظور شکوفائی هر چه بیشتر، از سوی دیگر، به حرکت جدی تر و بزرگتر نیاز داشتیم. این حرکت آزادسازی اقتصادی که هند بخوبی در سال ۱۹۹۱ شروع کرد و اقتصاد تحت کنترل خود را به یک فضای اقتصادی باز تبدیل کرد، اخیراً شروع کرده است به نمایاندن نتایجی که نشاندهنده تحولات در مولد بودن ساختارهای اقتصادی بگونه ای که رقابت های بین المللی را با انعطافهای بر مراتب بهتر و بیشتر اطمینان بخش میکند می باشد. این دست آورد، در اقتصاد هندوستان، تحولی شگرف پدید آورده که همراه خویش انگیزه برای کفایت بیشتر، قیمت گذاری مطلوب و مؤثر با تأکید بر افزایش کیفیت شرقی کالاها و ایجاد رقابتهای سالم و نزدیک بین تولیدات، و نیز انجام خدمات در آینده به ارمغان آورده است.

ظهور بازارهای جدید در جهان که نتیجه قطعی آزادسازی اقتصادی است، پیام



## از سرزمینهای دور

# چشم انداز اقتصاد هند

از: پرنسور جاجیت سینگ

برگردان: روابط عمومی و امور بین الملل وزارت تعاون

نظارت های طاقت فرسا که مدتهای مدید بصورت نیروی قوی بمدت ۴ دهه، از تاریخ کشور ما را دربرگرفت، بسیار شدیدتر از آنچه که واقعا و در بدو امر ضرورت داشت، از قدرت بهره جست. حقیقتاً بخش صنعت نه تنها در مقابل تاخت و تاز بازار رقابت در ماوراء بحار، بلکه در جهتی مخالف با آنچه را که می توان کشمکش و حملات بی امان رقبا داخلی در آن ایام نامید، محافظت کردید.

• آزادسازی اقتصادی:

زمانیکه هند پس از کسب استقلال و از طریق برنامه ریزی جایگاه خویش را در مسیر توسعه تثبیت نمود، جایگزین کردن تولیدات داخلی و ایجاد اعتماد بنفس ملی جهت دستیابی به اهداف تعیین شده در کوتاهترین زمان ممکن، بعنوان وجه تمایز این دوره از رشد اقتصادی این کشور اعلام کردید. این نخستین گام لازم یعنی کنترل و

آور الگوهای بسیار روشن و گویا در زندگی ملت هند، محسوب می‌گردد.

هندوستان امروزه در ارتباط خود با چین به عنوان یکی از سرمایه‌گذاران طراز اول از موضوع قدرت برخوردار می‌کند که نه تنها موجب سرازیر شدن سرمایه‌ها به بازار آزاد هند می‌گردد بلکه سرمایه‌گذاران بلند مدت را نیز امکان‌پذیر می‌سازد. از آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که در قاموس بازار و بازاریابی، هندوستان و چین غایت آمال و به عبارتی خون گسترده و پربرونقی هستند که شرکت‌های بین‌المللی برای منتفع شدن از آن گوی سبقت از یکدیگر می‌ربایند.

هر چند آزادسازی اقتصادی را می‌توان دارویی برای تسریع رشد و توسعه این بخش دانست، اما چندان هم بی‌ربط نیست اگر بگوئید که تزریق یکباره این دارو به پیکره جامعه اقتصادی، نه تنها سازمان‌های دست‌اندر کار امر تجارت را غافلگیر بلکه آنان را در رویارویی با حملات عظیم و بیمارگونه تجاری آسیب‌پذیر می‌سازد. بی‌شک این رویاروییها، فرصت‌های بی‌شماری را در عرصه سرمایه‌گذاری و توسعه فراهم می‌سازد. سرمایه‌گذاران و صاحبان مؤسسات تجاری هند باید با بینش اصولی اینگونه رقابتها را بازشناسند و به منظور دستیابی به محصولی با بیشترین بهره و اندیشیدن مناسبترین تدبیر، ماهیت این رقابتها را ارزیابی نمایند.

چالش‌هایی که ذکر آنها رفت در زمینه‌های ایجاد رقابت، بازار مصرف، تولید کالاهای کیفی، توسعه منابع انسانی، مدیریت تخصصی، سرعت در کار، سرمایه‌گذاری و جهانی کردن اقتصاد مطرح می‌باشند. بدین منظور شرکت‌های هندی باید از یک سو اسباب و علل مناسب را برای مقابله با رقابت خارجی فراهم کنند و از سوی دیگر، رشد قارچ گونه شرکت‌های خارجی در داخل کشور را تعدیل نمایند.

ارتباط دوربرد، صنعت چاپ و رسانه‌های سمعی و بصری امکاناتی هستند که افق وسیعی را بر پیش چشم خریدار امروزی می‌گشایند که در نهایت موجب تأمین خواسته‌های مصرف‌کننده از خرید کالاهای موجود چرخه بازار می‌شود.

مصرف‌کننده امروز بسیار مشکل‌پسند است. از این رو به تولیدکنندگان توصیه می‌شود تا با تأکید بر تقاضا و رضایت مصرف‌کننده، کالاهای تجاری خود را حمایت کنند و اینگونه اصل صداقت در امر تجارت را تضمین نمایند. چنانچه بخش تعاون هند با بازبینی مداوم و کنترل کیفی، تولیدات و خدمات خود را بر محور کیفیت بالا استوار کند و به عبارتی ویژگیهای اجرای کار، میزان اطمینان، دوام و درجه کاربرد کالا را مدنظر داشته باشد، در واقع محصول خود را با روند کنونی و آتی بازار همسو خواهد کرد.

کیفیت به معنی تولی، هزینه‌های رقابتی، تحویل به موقع و رضایت کامل مشتری است. در صحنه رقابت برای همگامی با دیگران و تسریع در کارها نیاز به نوآوری‌های فنی و ارتقاء سطح آنها به کمک توسعه و تحقیق (DUR) می‌باشد که در برنامه‌های جاری عامل مهمی محسوب می‌شود. اگر چه طرح توسعه نیروی انسانی (HRD) هنوز مورد پذیرش واقع نشده ولی می‌توان آنرا به عنوان یک سرمایه انسانی مورد توجه قرارداد. اتخاذ تدابیر، بهره‌برداری از جدیدترین تکنولوژی، توسعه استحصال یا آماده کردن بازار در تجارت از عوامل سازنده و به واقع مهم می‌باشند. در عملی شدن این موارد انسانها نقش حائز اهمیت دارند زیرا موفقیت در مسائل تجاری در نهایت به نگرش نیروی انسانی که برای اجرای اهداف گردآمده‌اند بستگی دارد. بی‌شک هدایت نیروی انسانی به سوی این مهم چالشی بس عظیم است. برای اینکه بخش

تعاونی موفق شود باید رابطه عامل و کارگزار همیشه گرم و صمیمی باشد که فقط با مدیریت ماهر، زیرک و با مسئولیت مناسب میسر خواهد بود. بدین ترتیب مدیریت به سمت تخصصی شدن سوق یافته و سازمان‌های جدیدالتاسیس را مدیران متخصص، آموزش دیده و با کفایت اداره می‌کنند. مدیر سازمانها برای اینکه حداکثر بهره را از جو و شرایط ترقی خواهانه ببرند، بهتر است ضمن اعتقاد به افراد آموزش دیده، برای اینکه به اهداف مورد نظر برسند به هنگام اتخاذ تصمیمات کلیدی، سیاست‌گذاریها و تدابیر مدون شرط احتیاط را نیز رعایت نمایند. در این صورت روند تخصصی شدن مدیریت در هندوستان تسریع خواهد شد. درک شرایط زمانی، توان همگنی با ایده‌های نوین با سرعت لازم، سلاح مهمی برای رقابت است. پس از این رو چالش‌های مطرح در بخش تعاونی مسائل مالی می‌باشد، لازمه سازماندهی مجدد و مدرنیزه کردن شرکتها و ادامه روند رشد در شرایط حاضر، سرمایه‌گذاری عظیم است. بدین ترتیب موسسه‌های امور مالی می‌توانند نقش مهمی در پرداخت وام داشته باشند. و این قبیل تدابیر توأم با همکاری از ویژگی‌های خاص دنیای فردا خواهد بود. از آنجائیکه جهانی شدن سازمانها موضوع جدیدی است که در سراسر دنیا مطرح می‌باشد، انطباق و هماهنگی شرکت‌های هندی با احتیاجات دنیائی که به زودی با آن روبرو خواهیم شد، مایه خرسندی است. در غیر اینصورت فرصت را از دست داده در نتیجه برای ادامه حیات با مشکل مواجه شده و از صحنه رقابتها جهانی عقب خواهند ماند. در حالیکه دیگران با شتاب فرصتها را در دست خواهند گرفت. در اینجا ضرب‌المثل «یا مرگ یا پیروزی» مصداق دارد.

1 - Development and Research  
2 - Humocn Resource Derelopment



## پرسش و پاسخ حقوقی

داخل آن و امتناع ثانوی وی از امضای ذیل صورتجلسه مجمع عمومی، علیرغم تأیید و امضای صورتجلسه شمارش آراء کاندیداها (که عاری از شائبه سوءنیت بنظر نمی‌رسد) موجب سلب اعتبار انتخابات برگزار شده نمی‌گردد و امضای ذیل صورتجلسه مجمع عمومی توسط سایر اعضای هیات رئیسه برای احراز صحت انتخابات کفایت می‌نماید.

صرفنظر از نظر ابرازی بالا که صرفاً رئیس جلسه مجمع عمومی را در مظان اتهام ارتکاب تخلف انتخاباتی قرار می‌دهد، برای جلوگیری از بروز چنین اشکالاتی، رعایت نکات زیر توصیه می‌شود:

الف - اوراق رأی انتخاباتی از یک به بعد شماره‌گذاری شده و در داخل جلسه تحویل رئیس مجمع عمومی گردد.

ب - ذیل هر ورقه رأی بترتیب شماره‌گذاری شده، پس از امضای رئیس (یا نایب رئیس) و یک یا دو ناظر مجمع به صاحبان حق رأی تحویل شود. در صورت حضور نماینده رسمی وزارت تعاون در جلسه مجمع عمومی به جهت نظارت عالیه و فائده‌ای که بر نحوه برگزاری مجمع و انتخابات دارد، امضاء یا مهر توأم با امضای وی در زیر هر ورقه رأی، امکان سوءاستفاده احتمالی و تخلفات انتخاباتی را به حداقل ممکن تقلیل می‌دهد مشروط بر آنکه امضای نماینده با امضای اعضای تعیین شده از بین هیات رئیسه مجمع عمومی توأم باشد.

ج - برای جلوگیری از وقوع تقلب و تخلف زمینه‌سازی شده خارج از جلسه مجمع عمومی، بالضروره تأکید می‌شود که از تحویل اوراق رأی بهنگام ورود اعضا به جلسه که قابل کنترل توسط هیات رئیسه مجمع عمومی نمی‌باشد، خودداری شود. اوراق رأی می‌بایست بمنظور پیشگیری از تخلفات احتمالی به هنگام رأی‌گیری در مورد انتخابات و بترتیبی که در بند ب این

آرائی است که باید به صندوق ریخته می‌شد، لهذا انتخابات مخدوش شده و باطل می‌باشد و باین ترتیب تا کنون از امضای ذیل صورتجلسه مجمع عمومی امتناع نموده است. آقای روغنی خواستار اعلام نظر پیرامون چگونگی برخورد با مشکل مزبور ونحوه رفع آن شده‌اند.

### پاسخ: در صورتیکه صورتجلسه

اولیه شمارش آراء کاندیداها به امضای رئیس و سایر اعضای هیات رئیسه مجمع عمومی رسیده و مضافاً بهنگام تحویل موقت صندوق رأی به رئیس مجمع از وی رسید اخذ شده و تعداد اوراق رأی نیز در رسید مزبور قید شده است. ایراد و اشکال وارده از سوی رئیس مجمع به بطلان انتخابات انجام شده بهیچ وجه قابل توجیه نبوده و ایشان یا هر عضو دیگر هیات رئیسه مجمع عمومی که صندوق رأی به امانت به وی سپرده شده، مجاز نبوده است

در غیاب سایر اعضای هیات رئیسه و به تنهایی اقدام به بازگشایی صندوق رأی و شمارش آراء درون آن نمایند. اقدام انفرادی رئیس مجمع در مورد استخراج آراء از صندوق واحصای تعداد اوراق رأی

**پرسش: آقای محمود روغنی عضو** یکی از شرکتهای تعاونی مصرف فرهنگیان، با این توضیح که در مجمع عمومی اخیر شرکت با دستور جلسه انتخاب هیات مدیره جدید، با رأی اعضای حاضر در جلسه مجمع، به سمت منشی انتخاب شده و پس از اخذ رأی رئیسه منتخب مجمع و شمارش آراء کاندیداها و تطبیق ۱۲۷ برگ رأی ریخته شده به صندوق با همین تعداد عضو اصیل و وکیل حاضر در جلسه، باتفاق تمامی اعضای هیئت رئیسه مجمع تعداد آراء هر یک از کاندیداها را با ذکر نام هر یک در ورقه‌ای امضاء و صورتجلسه نموده‌اند، اضافه کرده‌اند که چون دیر هنگام بود، صندوق رأی در قبال اخذ رسید تحویل رئیس جلسه مجمع عمومی شد تا فردای همانروز در ساعت و محل معینی اعضای هیات رئیسه حضور یافته و صورتجلسه مجمع عمومی را تنظیم و امضاء نمایند. لیکن رئیس جلسه مجمع پس از حضور در جلسه مقرر، اعلام کرد که با شمارش اوراق رأی در منزل خود، باین نتیجه رسیده است که بجای ۱۲۷ رأی مورد شمارش قبلی هیات رئیسه، تعداد ۱۲۹ رأی در صندوق رأی‌گیری واریز شده و چون دو برگ رأی اضافه بر تعداد

پرسش قید گردید، توسط اعضای هیأت رئیسه میان دارندگان حق رأی توزیع گردد. کمبود تعداد آراء واریز شده به صندوق در مقایسه با تعداد صاحبان حق رأی مشکلی را بوجود نمی آورد زیرا ممکن است بعضی از دارندگان ورقه رأی از دادن رأی خودداری نمایند لیکن فزونی تعداد آراء واریز شده به صندوق جمع آوری آراء بر تعداد آراء رأی دهندگان دلیل قطعی بر تخلف انتخاباتی و نابسامانی در رأی گیری می باشد.

چنانچه پیشگیری ها و اقدامات مذکور در این پاسخ بعمل آمده و مع الوصف در شمارش تعداد آراء واریزی به صندوق، هیأت رئیسه مجمع ملاحظه نمایند که یک یا چند ورقه رأی بیش از حد به صندوق ریخته شده، با بررسی تک تک اوراق رأی به سهولت می توانند آراء فاقد امضاهای تعیین شده را که ممکن است توسط عضو یا اعضائی که بقصد اخلال در برگزاری انتخابات برای نیل به اهداف خود یا جناح خاص و بهره برداری های بعدی، همراه با رأی خود به صندوق انداخته اند، از آراء امضاء شده و معتبر خارج کرده و آنها را باطل نمایند.

چون در یکی از شماره های سال جاری مجله، نحوه برگزاری صحیح مجمع عمومی به تفصیل مورد بحث و شرح قرار گرفته است، لذا از اطاله کلام در این مورد خودداری می شود.

**پروسی:** آقای تقی صالحی بازرس یک شرکت تعاونی مسکن کارگری با ارسال نامه ای اظهار داشته اند با آنکه عملکرد هیأت مدیره تعاونی در طول ده سال گذشته، مطلوب و مورد رضایت اعضا نبوده است و اصولاً تا بحال نیز علیرغم وصول مبالغ معتناهی از اعضا حتی یک قطعه زمین خریداری نمایند، معذالک معلوم نیست با مبادرت به چه شیوه و ترفندی در

هر دوره انتخابات به سمت هیأت مدیره انتخاب می شوند و حال آنکه اکثر قریب به اتفاق اعضاء از رکود چندین ساله شرکت و نحوه فعالیت هیأت مدیره ناراضی هستند. ایشان در مورد امکان تغییر هیأت مدیره درخواست راهنمایی کرده اند.

**پاسخ:** آقای صالحی و سایر بازرسان تعاونیها باید همواره به این نکته اساسی توجه داشته باشند که انتخاب آنان با رأی اکثریت نسبی اعضاء در مجامع عمومی، بنمایندهای از طرف اعضاء و به منظور نظارت بر عملکرد هیأت مدیره و مدیر عامل صورت می گیرد و در صورت مراجعه به مقررات اساسنامه که مطالعه دقیق آن علاوه بر ملازمه قطعی که با انجام وظایف بازرسی دارد، می تواند نقاط ضعف و قوت عملکرد مدیران شرکتها و اتحادیه های تعاونی را بر آنان آشکار سازد، ملاحظه خواهند کرد که به عنوان رکن بازرسی شرکت از وظایف و اختیارات وسیعی در جهت صیانت از حقوق اعضاء چه در زمینه بررسی جوانب مختلف عملکرد هیأت مدیره و مدیر عامل، تذکر رعایت قوانین و مقررات حاکم بر فعالیت شرکت یا اتحادیه تعاونی به مسئولان اجرائی، پیگرد تخلفات تمام یاهر یک از مدیران در مراجع قضائی برخوردار می باشند. بازرس یا بازرسان می توانند بر چگونگی جریان امور در تعاونی نظارت نموده و در صورت لزوم مجموع عمومی عادی تعاونی را برای گزارش تخلف مدیران جهت اخذ تصمیم لازم و مجمع عمومی فوق العاده را با رعایت ترتیب مذکور در اساسنامه به منظور اتخاذ تصمیم در مورد عزل هیأت مدیره دعوت به تشکیل نمایند. بررسی عملکرد مالی شرکت به مسئولیت هیأت مدیره و مدیر عامل از اهم وظایف و اختیارات بازرسان است و در صورتیکه شخصاً از معلومات کافی برای رسیدگی به حسابهای تعاونی بهره مند

نیستند می توانند به هزینه شرکت از وجود کارشناس حساب و کشف تخلفات و سوء استفاده های احتمالی هیأت مدیره یا هر یک از آنان استفاده نموده و سپس گزارش کارشناسی انجام شده را به مجمع عمومی ارائه نموده و در صورتی که گزارش مستنداً متضمن ارتکاب خیانت در امانت و یا جرائم دیگری باشد که با سوء نیت واقع گردیده و بموجب قوانین کیفری و مدنی برای موارد تخلفات مجازات و یا جبران خسارت تعیین شده باشد، مستقیماً علیه هیأت مدیره و یا مدیر عامل، جمعاً یا مفرداً، به دادگاه اعلام جرم نموده و ضمن درخواست مجازات متهم یا متهمین، جبران ضرر و زیان وارده به شرکت را که متعلق به اعضاء آنست خواستار شوند.

انتظار اینکه وزرات تعاون بجای هیأت مدیره و مدیر عامل هر تعاونی و بازرسان و مجمع عمومی آنها که مستقیماً عهده دار انجام وظایف و اختیارات مشخص قانونی هستند، عمل نماید، طبعاً توقعی ناپجا و ناصواب و عملاً غیر ممکن است. لیکن واحدهای تابعه وزارت تعاون موظف هستند هیأت های مدیره، مدیران عامل و بازرسان شرکتها و اتحادیه های تعاونی در جهت انجام مطلوب وظایف آنان، هدایت و راهنمایی نمایند.

متأسفانه در مواردی بازرسان تعاونیها بجای انجام وظایف بازرسی، در خدمت هیأت مدیره قرار گرفته و برخلاف مصالح و منافع اعضاء عمل می نمایند و در نتیجه موجبات تضییع حقوق اعضاء و نابسامانی در فعالیت های تعاونی بدون رادع و مانعی فراهم می گردد.

**پروسی:** در طول چند سال اخیر تعداد کثیری از اعضای هیأت مدیره و بازرسان تعاونیها، بطرق مختلف، در مورد انجام انتخابات دو مرحله ای هیأت مدیره که در اکثر موارد مستلزم صرف زمان طولانی



# دیدگان آشنا



## از مجموعه داستان روشنی‌ها

به قلم: عباس عباس زاده

سرزمین طلائی، سرزمین عشق بود، زمینش با آسمانهای دور پیوندی عجیب داشت. بی گمان حالا هم که سالها از عملیات خیر گذشته، طلائی، خلیل، رضا، فرزاد و سید تقی را باید خوب بشناسد. آنچنان که مادر فرزندش را می‌شناسد. بقیه هم بودند که حالا نیستند. اما خلیل هست، رضا و فرزاد هستند و سید تقی هم....

سید تقی خیلی چیزها را در طلائی جا گذاشت. از جمله دو پایش را و دو برادرش را ولی حالا با یارانش به آن دیار آمده و کارخانه‌ای را بنا نهاده‌اند. بعد از ظهر یک روز زمستانی بود. آفتابی کم رمق ولی پراحساس، برفهای روی سطح خیابانها و پیاده روها را قطره قطره آب می‌کرد. سید تقی، ویلچر سوار، نیم

ساعت زودتر از موعدش سرقرار حاضر شده بود. آنروز، روز گشایش همزمان کارخانه کوچکشان در طلائی و فروشگاه مرکزی آن در تهران به نام شرکت تعاونی ایثارگران بود.

پس برای سید تقی، فرزاد و رضا و خلیل، روز بزرگی بود. سید تقی همانقدر شادمان بود که سالها پیش، بعد از پیروزی در عملیات خبیر در منطقه طلائی بود. آنروز در آنجا روزه شکر بجا آورده بود. پس حالا هم روزه دار بود. به ساعتش نگاه کرد. بیست و نه دقیقه مانده بود به سه بعدازظهر.

تصمیم گرفت در این مدت تقاضاهایش از وزیر را که قرار بود برای افتتاح شرکت تعاونی بیاید، یادداشت کند. قلم و کاغذی از جیبش در آورد و شروع به نوشتن کرد. یک خط بیشتر ننوشته بود که نگاهش درگیر نوجوانی شد که در چند متری او کنار پیاده‌رو بساط واکساش را گسترده و به او می‌نگریست.

از همان چشمان گود افتاده و وارفته و نگاههای مهجورانه می‌شد آینده‌اش را دید. او به آینده نظر داشت بی‌آنکه توجهش به سید تقی باشد.

سید سرش را برگرداند و باز مشغول نوشتن شد. دو خط دیگر هم نوشت. در خواست وام و اعتبار و تسهیلات و غیره. باز سرش چرخید و دید که پسرک همچنان خیره به اوست.

بی قرار به ساعت مچی‌اش نظر دوخت. بیست و هفت دقیقه به سه نگاه معصومانه آن پسرک، حالا تمام حواسش را به خود مشغول داشته بود کاغذش را تا کرد و به همراه قلم در جیبش گذاشت.

باز نیم نگاهی به آنسو انداخت و باز نگاه خیره پسرک را دید. ناگاه فکری به ذهنش خطور کرد. سبابت شرکت جدیدالتأسیس شان صدقه‌ای بدهکار بود و کار و بار آن پسرک هم بنظر کساد می‌آمد. بسا لبخندی رضایت‌آمیز ویلچرش را به همان سمت گرداند و بعد از یکی دو متر حرکت نومیدانه باز ایستاد.

کمی عصبی بنظر می‌رسید. شوکه شده بود. حواسش پرت بود. می‌خواست به بهانه واکس زدن کمک به او بکند. ولی تازه فهمید که پای در کار نیست. در نتیجه کفشی برای واکس زدن نداشت. این اولین بار بود که از نبود پا ناراحت می‌شد. ولی مجدداً آرامش خویش را بازیافت و ویلچرش را به سوی واکسی جوان راند، می‌خواست هر جوری شده کمکش کند ولی بدون شکستن حریم غرور آن نوجوان پسرک که تازه به خود آمده بود نگاهش را برگرداند. کمی ترسیده بود.

هرقدر سید تقی به او نزدیکتر می‌شد، نگرانی پسر افزون و افزونتر می‌شد. سید تقی درست پیش روی او ایستاد و دست ترمز ویلچرش را کشید.

حالا پسرک خود خفته به سر تا پای سید تقی می‌نگریست. سید تقی بالحن مهربانانه از او پرسید: "آسمت چیه پسر خوب؟"

پسرک گفت: "رحمان"

"بچه کجایی؟"

"خرمشهر"

سید تقی ابرو بالا کشید و صمیمانه‌تر پرسید:

خرمشهر؟ یادش بخیر... زیاد دور از پاسگاه طلائی نیست... تنهایی؟

"نه با برادر کوچکتر و مادرم زندگی می‌کنم."

تو خرج خونتونو در می‌یاری؟ بله آقا

چند سالته؟ سیزده سال

برادرت چی؟

هشت سالشه

"پدرت کجاست؟"

پدرم مرده؟

سید با نگاهی تأسف بار پرسید:

خدا رحمتش کنه... چند ساله مرحوم شده؟

دو ساله

برادرت هم کار می‌کنه؟

نه، بعضی وقتا می‌یاد پیش من، ولی حالا مریضه... توی خونه افتاده"

در این حال مردی شیک پوش کنار شان ایستاد و بعد از

ورانداز کردن رحمان، به او گفت: می‌خوام توی یکدقیقه این

کفشامو برق بندازی... فقط زودباش که عجله دارم"

رحمان بسرعت یکجفت دمپایی پیش پای مرد شیک پوش جفت

کرد و بعد بساط واکس و فرچه

و دستمالش را ردیف کرد و کفشهای آن مرد را بدست گرفت و مشغول شد. سید تقی تازه متوجه دستهای ترک خورده رحمان شد. مثل زمینهای خشک، جابجا شکاف برداشته بود و لابلای بعضی شکافها خون خشک شده چون زگیلهای قرمز بیرون زده بود. دستهای رحمان در آن وضع نمی‌توانست با آن سرعتی که مشتری شیک پوشش از او انتظار داشت کار کند. زود باش پسر جان... داره جلسم دیر میشه... ببینم از قیافت معلومه که بچه تهران نیستی... معلوم نیست کدام نمک به حرومایی تهران رو به شمانشون دادن.

رحمان سرش را بالا گرفت و مات به چهره مرد شیک پوش نگاه کرد. باقی قصه را خودش می‌دانست. خیلی از آن طعنه‌ها شنیده بود و احتیاجی به شنیدن مجدد آن نداشت، ولی مرد شیک پوش که این چیزها را نمی‌دانست ادامه داد:

"فقط بلید خودتونو مظلوم نشسون بدید... وای به اون روزی که ورق برگرده و روزگار ما دست شما بیفته... حالا به کارت برس"

رحمان سرش را پایین انداخت و اینبار با غیرت بیشتری شروع به واکس زدن کرد. ولی سه بار فرچه از دست بسی حسش به زمین افتاد و رحمان هر بار دستپاچه آنرا برمی‌داشت و باز به کارش ادامه می‌داد. مشتری شیک

پوش هم مدام سرش را بعلاامت تأسف تکان می‌داد. بعد که کار رحمان تمام شد، مشتری از جیبش یک اسکناس پنجاه تومانی در آورد و به او داد. رحمان تبسمی کرد و آنرا در جیب کسپشن لت و پاره‌اش گذاشت.

مرد شیک پوش به حالت عصبانی گفت: "پس بقیش چی میشه؟... اصلاً پنجاهی رو بده من کار دارم... فکر می‌کنی اینجا سسرگردنه‌های ولایتونه... به خاطر یک دقیقه کار می‌خواهی پنجاه تومن به جیب بزنی... پسر خوب برو به همولایتی هات بگو اینجا از این خبرها نیست... یا الله بده بیاد ببینم."

رحمان بناچار پنجاه تومانی را از جیب در آورد و پس داد. مرد شیک پوش جیبهای شلوارش را بیشتر جست و بعد یک بیست تومانی پاره و فرسوده را جلوی رحمان انداخت و فرغ‌رکنان آنجا را ترک کرد. سید تقی خودش را خیلی کنترل کرد و چیزی نگفت، رحمان ناگزیر بیست تومانی را برداشت و در جیب گذاشت. حالا سید تقی به چشمان رحمان خیره شده بود و داشت به آرزوهایی که رحمان می‌توانست داشته باشد فکر می‌کرد. آرزو که نه، خواسته. حتی بنظرش رسید که خواسته هم کلمه درستی نبود. خنده تلخی زد و همچنان که به چشمان رحمان زل زده بود داشت به کمترین چیزهایی که

یک انسان می‌تواند بواسطه آنها به زندگی امیدوار باشد فکر می‌کرد، اکسون سید می‌توانست در نگاههای رحمان پلی مستحکم میان دنیای خود و دنیای آشنای او ببیند. ولی رحمان در سن و سالی نبود که بتواند معنای نگاههای سید تقی را بفهمد. او از آن جور نگاهها بیشتر می‌ترسید و خاطره خوشی از چشمهای زل زده به خود نداشت. او حالا از سید تقی می‌ترسید، حتی می‌ترسید که آن سؤال و جوابها نهایتاً از کار و زندگی بیندازدش. ناگهان برق شادی از چشمان سید تقی درخشید. فکر خوبی به سرش زده بود. بالاخره توانسته بود راه حلی برای مشکل رحمان بیابد. هیجانش را نمی‌توانست از او پنهان کند. در همان حال به رحمان گفت:

"آقا رحمان برات یه کار خوب سراغ دارم..."

رحمان نگرانتر از همیشه به سید تقی نگاه می‌کرد. سید تقی ادامه داد:

"مایه شرکت تعاونی باز کردیم که امروز افتتاح میشه... ببین یه فروشگاه بزرگه که تو هم می‌تونی یه غرفه کوچک داشته باشی... اینجوری دیگه لازم نیست کنار خیابون بشینی و از سرما بلرزی... تازه توی تعاونی مردم زیاد میان، تو... تو حتی میتونی لوازم کفاشی هم بفروشی... البته کار تعاونی ما فرق می‌کنه، ولی مشکلی نیست... توکل به خدا... اینجوری بهتره... چند درصد

سهم شرکاء رو به تعاونی می‌دی و بقیه‌اش هم نوجونت.... حالا بساطتو جمع کن بریم

رحمان گفت: «نه، خیلی ممنون....»

سید تقی لبخندی زد و گفت: «من که تعارف نمی‌کنم آقا رحمان.... هم به نفع مائه و هم به نفع خودت.... حالا زود بساطتو جمع کن.... اسم شرکت تعاونی ما، تعاونی ایثارگر است.... فکر نمی‌کنم تو اونجا غریبه باشی.

رحمان با سماجت گفت: «نه، خیلی ممنون، من همینجا راحتیم»

سید تقی که فکر می‌کرد رحمان تعارف می‌کند ویلچرش را جلوتر راند و بساط رحمان را بسرعت جمع کرد و بعد همه را در جعبه چوبی او گذاشت.

رحمان مقاومتی نکرد یا توان مقاومت نداشت و این به نظر سید تقی علامت رضایتش بود. به هر حال سید تسمه جعبه را روی شانه رحمان انداخت و دستش را گرفت و با خود به سمت محل قرارش برد. رحمان می‌لرزید. سید تقی برای آرام کردنش گفت: «مطمئن باش وضعت بهتر می‌شه، من خودم تضمین می‌کنم»

بعد به ساعت مچی‌اش نگاه کرد. هنوز هجده دقیقه مانده بود. رحمان همچنان می‌لرزید. سید کمی این پا و آن پا کرد و بعد درحالیکه به سر و روی رحمان نظر دوخته بود گفت: «باید به خودت برسی.»

بعد رو به سمت فروشگاه‌های که لباسهای پاکستانی ارزانقیمت می‌فروخت کرد و چون فروشگاه را دایر دید کیف پولش را در آورد و چند برگ اسکناس هزار تومانی درآورد و به رحمان گفت: «میری توی اون فروشگاه و یک دست لباس تمیز می‌گیری و می‌پوشی.... بعد با دست و صورت شسته بر می‌گردی.... ناسلامتی امروز شخصیت مهمی می‌خواد بیاد شرکت تعاونی ما رو افتتاح کنه... دور از ادبه اگر با این وضعیت بریم.... می‌فهمی که؟ سید تقی مکثی کرد و بعد آمرانه گفت: «حالا این پولو بگیر و برو کاری که بهت گفتم انجام بده.... یاالله.... فقط زود برگرد»

رحمان با بی‌میلی گفت: «نمی‌خوام.... بخدا همونجا خوبه.... دست شما درد نکنه.... من پاتوقم همونجاست.... بگذارید برم»

سید تقی از روی محبت محکم دست رحمان را فشرد و با دست دیگرش برگه‌های هزار تومانی را در کف دست رحمان که مقاومت می‌کرد جای داد.

رحمان از آن دستها زیاد دیده بود. حتی دستهای پر قدرت‌تر از دستهای سید تقی هنوز روی بدنش آثاری از آن دستها وجود داشت. برادر کوچکترش هم ضرب شصت آن دستها را بخوبی چشیده بود. حالا برایش دستهای سید تقی هم یادآورد خاطرات تلخ همان دستها بود. وحشت سراپایش را فرا گرفت. لرزه

هایش بیشتر شد. او هنوز به سن و سالی نرسیده بود تا بتواند دست را از دست تشخیص بدهد. یک آن به خود آمد و دید که دست کوچک و ترک‌خورده‌اش، دست بیحسش مشت شده است می‌دید که از لابلای انگشتان بزور تاشده‌اش، گوشه برگه‌های سبز سرک کشیده و داشتند بکاری و ادارش می‌کردند که خلاف میلش بود. ولی رحمان تاب باز کردن مشتش را نداشت.

سید تقی با دست تلنگری به کمر رحمان زد و گفت: «د برو دیگه، منتظر چی هستی؟.... داره دیر میشه.»

رحمان به سرعت یک آهوی وحشی دوید. از فروشگاه‌های لباسهای ارزان پاکستانی می‌فروخت هم بسرعت گذشت. در آن دور دستها از چهارراه هم گذشت. رحمان در همان راستا ناپدید شد. اینک دقایق بسرعت می‌گذشتند و از بازگشت رحمان خبری نبود.

سید تقی چنان محو تماشای آن امتداد طویل گشته شد که هرگز نفهمید تویوتای سفید رنگی را که نیم ساعت در انتظارش بود، کی و چگونه جلوی پایش ایستاده بود.

از بچه‌های تعاونی فقط خلیل آمده بود. راننده چند بار بوق زد. سید تقی اما در باغ دیگری بود. خلیل پنجره را پائین کشید و سید تقی را چند بار صدا زد. سید تقی گویی نمی‌شنید خلیل آنقدر نزدیکش بود که اگر دست دراز می‌کرد،

دستش به دسته ویلچر سید می‌رسید راننده به شوخی به خلیل گفت: «گمون کنم، درصدش بیست تا کشیده بالا» خلیل با تعجب از ماشین پیاده شد و روبروی نگاه سید تقی ایستاد.

سید سرش را بالا گرفت و چون خلیل را دید گفت: «منتظر یه دوستم....»

و در حالیکه سرش را با تأسف تکان می‌داد ادامه داد: «خودم پروندمش»

خلیل ابرو در هم کشید و به راستایی که سید تقی نگاه می‌کرد نگریست. بعد گفت: «کدوم دوستت؟ از کی صحبت می‌کنی؟»

سید تقی برگشت و به ماشین نگاه کرد و چون راننده را دید دستی برای او تکان داد. سپس به خلیل گفت: «خیلی وقته اومدید؟»

خلیل گفت: «پنج شیش دقیقه میشه.... چقدر بوق زدیم، داد کشیدیم، انگار نه انگار.... دیگه واقعاً فکر کردیم خدایی نکرده گوشه‌ها هم پریده هوا.... حالا تا کی باید منتظر بمونیم.»

سید تقی به ساعتش نگاه کرد و آرام پیش خود گفت: «آخه رحمان! برات برنامه‌ها داشتم.... کجا گذاشتی رفتی؟»

خلیل گفت: «بلندتر بگو ماهم بشنویم»

سید لبخندی زد و گفت: «مهم نیست، یه روز برمی‌گرده»

خلیل هم تبسمی کرد و با کمک راننده سید تقی را داخل ماشین گذاشتند و خیلی زود آنجا را ترک گفتند....»

آتی تعاونی نیز مورد بررسی و تبادل نظر قرار می‌گیرد در این جلسه که به عنوان بالاترین رکن شرکت تعاونی نیز محسوب می‌شود می‌توان مبادرت به طرح مسائل و نیازمندیهای آموزشی نمود و از نظرات اعضاء - مسئولین و سایر حضار بهره گرفت.

۶- تشکیل شورای آموزشی: یکی دیگر از روشهای تعیین نیازهای آموزشی تشکیل شورای آموزشی در مراکز استان و سایر شهرستانهای تابعه می‌باشد. این شورا که با مشارکت مسئولین و کارکنان بخش تعاون و نمایندگان گروههای تعاونی تشکیل می‌شود می‌تواند ضمن تدارک و برگزاری دوره‌های آموزشی پیش بینی شده، نیازهای آموزشی تعاونیهای مختلف را متناسب با ویژگیهای اقلیمی - اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی هر شهرستان تعیین و برنامه‌ریزی نماید.

۷- سنجش نیازهای آموزشی از طریق رسانه‌های گروهی:

معمولاً درصد بسیار زیادی از مردم از رادیو و تلویزیون بهره می‌گیرند تا در جریان تحولات و وقایع پیرامون قرار گیرند. همچنین رسانه‌های گروهی بویژه رادیو به عنوان عمومی‌ترین وسیله گروهی نقش انکارناپذیری در آموزش و ارائه اطلاعات به افراد جامعه دارند. و گروههای مختلف انسانی به برنامه‌های آن بطور کلی و برنامه‌های خودشان بطور اخص گوش فرا داده و یا بیننده آن هستند. لذا از این وسایل نیز می‌توان برای سنجش و تعیین نیازهای آموزشی شرکت‌های تعاونی که طبعاً از جامعه جدا نیستند استفاده بهینه و مطلوب را برد.

۸- تشخیص مسئولین آموزش در ادارات تعاون:

یکی از روشهای تعیین نیازهای آموزشی در مرکز استان یا شهرستان تشخیص مسئولین و دست اندرکاران

آموزش ادارات تعاون می‌باشند زیرا آنان به دلیل سابقه فعالیت و اخذ تجارب فراوان در امر آموزش می‌توانند با تشخیص موقعیت منطقه و نوع و وضعیت شرکت‌های تعاونی، نیازهای آموزشی آنان را نیز تعیین کنند.

### نتیجه‌گیری:

مسئولین آموزش شرکت‌های تعاونی باید توجه داشته باشند که بهترین شیوه جهت تعیین و سنجش نیازهای آموزشی تعاونیها تلفیقی از روشهای مورد بحث در این مقاله می‌باشد به عبارتی باید با درک شرایط محیطی - اقلیمی - فرهنگی و موقعیت کاری شرکت‌های تعاونی روشهای ترکیبی تهیه و مورد استفاده قرار گیرد.

چون ممکن است تأکید بیش از اندازه بر یک روش و عدم توجه به سایر روشها، ضریب موفقیت طرح آموزشی را کاهش دهد. نکته بسیار مهم دیگری که باید مورد نظر جدی مسئولین و برنامه ریزان و مجریان آموزشی قرار گیرد این است که آموزشهای طراحی شده قطعاً باید به رفع مشکلات شرکت‌های آموزشی کمک نماید و موانع موجود بر سر راه پیشرفت و توسعه آنها را از میان بردارد و به عبارتی، کاربردی باشد. در نهایت هر برنامه ریز آموزشی برای بهبود طرحهای آموزشی خویش همواره باید از کلیه مراحل کار آموزش و میزان پاسخگویی آموزشها به نیاز تعاونیها ارزیابی دقیق و علمی بعمل آورد.

نارسانائیهای موجود باشد، در سال ۱۳۷۱ تهیه شده و آماده تقدیم به هیات وزیران و قوه مقننه بود لیکن بنا به دلایلی انجام این مهم به تأخیر افتاد. امید است در دوران تصدی مسئولیت خطیر وزارت تعاون که جناب آقای مرتضی حاجی، باتواضع، صداقت، پشتکار و اعتقاد راسخ به اعتلای بخش تعاونی و رهائی از مشکلات کثیر سالهای اخیر، تقبل نموده‌اند، هرچه سریعتر شاهد کاهش مشکلات فراوان تعاونیها و اعضای آنها که عمدتاً از نارسائی قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران ناشی شده و با فرصت‌طلبی افسراه سودجو که با سوءاستفاده از ضعف قانون، ساختار تعاونی کشور را در مسیر انحرافی و برخلاف مصالح و منافع اکثریت اعضای تعاونیها متزلزل ساخته‌اند، از طریق اصلاح قانون و رفع نقائص و نارسائیهای آن باشیم.

سید یوسف - اسماعیل صفوی

### بقیه از صفحه ۶۳

ناشی از تکلیف قانون دایر بر احراز اکثریت مطلق آراء اعضای حاضر در مجامع عمومی توسط کاندیداها در مرحله اول انتخابات به تعداد مقرر در اساسنامه و انجام بلافاصله انتخابات مرحله دوم به اکثریت نسبی است، اظهار نگرانی کرده و خواستار تسریع در اصلاح این مورد از قانون بخش تعاونی شده‌اند.

**پاسخ:** بااطلاع این گروه از خوانندگان و علاقه‌مندانی که خواستار اقدام سریع و جدی در مورد اصلاح قانون بخش تعاونی هستند می‌رساند که اصلاحات قانون مزبور در حدی که رافع مشکلات و